

بیش!

شماره ۹۳، جمعه ۴ اسفند ۱۳۹۶، ۲۳ فوریه ۲۰۱۸

اتحاد سوسیالیستی کارگری

www.wsu-iran.org

نقش زنان در اعتصابات کارگران هفت تپه

**«ما ۵ تا زن بودیم که
دیروز جاده را بستیم تا
خبر اعتصاب به همه جا
برسه!»**

کارگران و سندیکای هفت تپه اکنون پشتاز مبارزات کارگری ایران هستند، هم برای طرح ایده کنترل کارگری و هم برای حضور زنان کارگر در سخنرانی و هدایت مبارزه کارگری. بقیه در صفحه ۷



**سخنرانی یکی از زنان کارگر
اعتصابی، ۱۹ آذر ۹۶
هشتم دسامبر ۲۰۱۷**

بیانیه شورای مرکزی اتحاد سوسیالیستی
کارگری بمناسبت خیزش دیماه ۹۶

**پایان سیطره گفتمان
اصلاح طلبی و
آغاز دوران نوین در
ایران و خاورمیانه**

تظاهرات مردم در دیماه ۹۶ نقطه آغاز یک دوران نوین در تحولات سیاسی ایران است. خیزش دیماه که با تظاهرات در بیش از یکصد شهر همراه بود، به بیست سال حاکمیت گفتمان جنبش اصلاح طلبی در ایران که با رئیس جمهور شدن خاتمی در سال ۷۶ عروج کرده بود، خاتمه داد و میروند تا جنبش انقلابی و براندازی را به گفتمان غالب تبدیل کند. این تغییر گفتمان تاثیرات عمیقی بر جریانات سیاسی، نظامی، امنیتی، و دیگر باندهای حاکم خواهد گذاشت

بقیه در صفحه ۲

در حمایت از مطالبه حداقل دستمزد ۵ میلیونی!

از زمستان سال ۹۲ که بخشی از کارگران پتروشیمی ماهشهر ابتکار تعیین حداقل دستمزد را مطرح کردند تشکلهای کارگری نه تنها دیگر به انتظار مکانیزم درون سیستمی سه جانبه گرایمی نمی نشینند بلکه از راه حل های رفرمیستی نیز عبور کرده اند. در جریان مبارزه طبقاتی کار و سرمایه همیشه دستمزد یکی از ارکان اصلی مبارزه بوده و هست. اما به دلیل شرایطی که طی چند سال گذشته کارگران را چند مرتبه زیر خط فقر قرار داد، این مسئله از اهمیت بسزایی برخوردار شد.

بقیه در صفحه ۴

به مناسبت روز جهانی زن، هشت مارس

**اتحاد جنبش زنان و جنبش کارگری علیه
رژیم اسلامی و برای نان و آزادی**

امسال روز زن، هشتم مارس، ویژه است. در دیماه ۹۶، تظاهرات مردم در بیش از صد شهر کلیت رژیم اسلامی را نشانه گرفت که از بی حقوقی زنان با خشونت پاسداری میکند.

بقیه در صفحه ۵

تیتراها

۲۲

رژیم اسلامی پس از داعش

صفحه ۱۹

وضعیت زنان کارگر گواتمالا

صفحه ۱۷

کشته شدن کارگران کولبر کردستان

صفحه ۲۰

حقوق کودکان کار. مطالبات و جنبش ما

بقیه "پایان سیطره و ..." از ص ۱

و عواقب مهمی برای جنبش‌های اجتماعی، طبقاتی و همچنین کل نیروهای اپوزیسیون و شبه اپوزیسیون در بر خواهد داشت. با فروکش اعتراضات علیه رژیم اسلامی دوره فعل و انفعالات درونی کل نیروهای سیاسی و جنبش‌های اجتماعی و طبقاتی برای منطبق کردن خود با اوضاع تازه آغاز شده است. با جایجایی‌های حاصل از این فعل و انفعالات، ادامه اعتراضات علیه کل رژیم اسلامی گسترده تر، با قدرت بیشتر و در شرایط متفاوت و با صف بندی‌های جدید در میان نیروهای فعال در صحنه سیاست ایران صورت خواهد گرفت.

شکست تجربه خونبار و ویرانگر ۴۰ سال حاکمیت مذهب بر جنبش‌هایی که از مشروطیت تا کنون در تاریخ سیاسی ایران ریشه دارند، تاثیرات مهمی خواهد داشت. یکی از بزرگترین انشعابات در تاریخ لیبرالیسم ایران بر سر نقش و جایگاه دین در پیروزی جنبش سنت - مدرنیته است. جناح قوی تر لیبرالیسم ایران از همان زمان مشروطیت پیروزی حرکت سنت - مدرنیته را در گرو مماشات با دین و عروج یک روایت خوش خیم از دین اسلام می دانست. با تجربه چهار دهه دخالت مذهب حتی در کوچک ترین امور زندگی خصوصی مردم، و با اعتراضات مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی و به ویژه امتناع آشکار آنها از استفاده از فرهنگ اسلامی برای بیان خواسته‌هایشان،

لیبرالیسم ایران اگر بخواهد موضوعیت سیاسی و اجتماعی خود را حفظ کند ناچار است تا هم خواهان پایان عمر رژیم اسلامی شود و هم خواهان پایان دادن به هر نوع دخالت دین در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ایران گردد.

جنبش دیمه ۹۶ که زمین سیاست در ایران را عمیقاً شخم زد، الف، خط بطلانی بود بر چهار دهه استفاده از مذهب برای حفظ نظام سرمایه داری که ابتدا برای شکست انقلاب ۵۷ و رها کردن نظام بحران زده سرمایه داری در نظام شاهنشاهی از خطر سقوط بود و در ادامه برای دفاع از منافع آخوندها، نهادهای مذهبی، مقامات رژیم و سپاه‌یانی که خود به بزرگترین صاحبان سرمایه و صنایع تبدیل شدند. و ب، خط پایانی بود بر دو دهه تجربه شکست خورده جنبش اصلاحات سیاسی در دستیابی به اهدافی که خودشان آنرا اعلام کرده بودند. اکنون عرصه اصلی و محوری سیاست ایران دیگر منازعات جریان‌ات درون رژیم اسلامی و بین اصلاح طلب و اصولگرا نیست بلکه بین دو قطبی کل رژیم و مردمی است که خواهان پایان عمر رژیم اسلامی هستند. خیزش دیمه ۹۶ با خواسته‌های اقتصادی و سیاسی در هم تنیده خود بیانگر خواست بنیادی "نان و آزادی" است بعنوان محور و چتر اتحاد همه مردم علیه رژیم اسلامی.

جنبش اصلاحات سیاسی با رئیس جمهور شدن خاتمی کوشید که آینده رژیم اسلامی را بر کلیت طبقه صاحبان سرمایه و صنایع متکی کند تا نمایندگان جناح‌های گوناگون این طبقه بتوانند از طریق انتخابات به قدرت برسند و دولت را در راه منافع خود بکار گیرند. با شکست تجربه اصلاحات سیاسی، لیبرالها برای نمایندگی صاحبان سرمایه و صنایع ایران یک فرصت بی بدیل می یابند تا حریف عمده جنبش کارگری و سوسیالیست‌ها در سیاست ایران شوند. فساد، دیکتاتوری، کشتار، فقر، بیکاری، بی حقوقی زنان، فقدان حق تشکل و اعتصاب کارگری، دستمزدهای یک سوم خط فقر، ضربات مهلک به فرهنگ، ادبیات، هنر و به ویژه موسیقی و فجایع سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی که رژیم اسلامی بار آورده است ناشی از کارکرد نظام سرمایه داری تحت پوشش اسلام است و خواست "نان و آزادی" مردم ایران تنها با براندازی این سیستم طبقاتی و غیر انسانی بدست می آید. منتها ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران برگ برنده لیبرالها خواهد بود تا همه این بلایا را نه به گردن نظام سرمایه داری بلکه به گردن حاکمیت دین بیاورند تا از این طریق اسلام را قربانی حفظ نظام سرمایه داری کنند. در دوران شاه نیز اندیشه لیبرالی که بعضاً به جریان‌ات سوسیالیست هم سرایت کرده بود، دیکتاتوری حاکم و همه رنج و محنت کارگران و زحمتکش‌ان را نه از

بقیه "پایان سیطره و ... " از ص ۲

ماهیت نظام سرمایه داری بلکه از نتایج وابستگی سرمایه داری ایران به امپریالیسم جا میزد. اکنون نیز می‌رود تا علت دیکتاتوری، بی حقوقی و فقر و فلاکتی که کارگران و مردم بدان دچارند، موضوع محوری مباحثات فعالین جنبش کارگری و سوسیالیستها با لیبرالها شود.

در میان جنبشهای اصلی اجتماعی و طبقاتی، نظیر جنبش کارگری، رفع ستم ملی، جنبش زنان به ویژه علیه حجاب اجباری و برای آزادی پوشش، خیزش دیمه ۹۶ بیشترین تاثیر را بر جنبش دانشجویی خواهد داشت. با سرکوب خونبار جنبش دانشجویی در سال ۵۹ به رهبری رئیس جمهور وقت، بنی صدر که منجر به دستگیری، کشتار و اخراج همه دانشجویان و استادان سوسیالیست و آزادیخواه شد، رژیم اسلامی در گورستان سکوتی به نام دانشگاهها، تشکلهای دانشجویی تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه را ایجاد کرد. در طی همه این سالها تشکلهای دانشجویی تحت کنترل رژیم و از سال ۷۶ اساسا تحت کنترل اصلاح طلبان بوده است و هر شکل و یا حرکت خارج از آن با دستگیری و شکنجه و زندان سرکوب شده است. با پایان سیطره گفتمان اصلاح طلبی می‌رود تا جنبش دانشجویی نیز از زیر نفوذ اصلاح طلبان خارج شود و به جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی بپیوندد. چرخش جنبش پر تعداد و میلیونی دانشجویی که در تمام تاریخ خود تا قبل از سرکوب و

کشتار سال ۵۹ همواره از پایگاههای مهم مبارزه با دیکتاتوری و اساسا چپ گرا بوده است، یک ضربه سنگین به اصلاح طلبان است و به قدرت جبهه مردم در مقابل رژیم اسلامی می افزاید.

عدم موفقیت ناسیونالیسم عربی در تحقق اهدافی که داشت با انقلاب ایران در سال ۵۷ هم دوره گشت و قدرت یافتن جناح اسلامی اپوزیسیون شاه که منفعت اروپا و آمریکا آنرا ایجاب میکرد باعث رشد و گسترش جنبشهای اسلامی در کشورهای منطقه شد. با پایان کار داعش در سوریه و عراق، عروج جنبشی در ایران با شعار "آخوندها حیا کنید، مملکتو رها کنید" به تمامی جنبشهای غیر مذهبی در منطقه جان و روحیه تازه خواهد داد. در راستا و در ادامه تاثیر تحولات ایران در صد سال گذشته در کشورهای منطقه، پایان یافتن عمر حکومت دینی در ایران تاثیرات مهمی در تضعیف ارتجاع اسلامی در منطقه خواهد داشت. مبارزات مردم ایران علیه رژیم اسلامی می رود تا ابعادی فراتر از مرزهای ایران بیابد و کمر ارتجاع اسلامی در کل منطقه را بشکند.

خواستهای گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کارگران و مردم ایران در چارچوب نظام حاکم و سیستم سرمایه داری قابل تحقق نیست. نظام مدافع صاحبان سرمایه و صنایع زیر چتر حمایتی اسلام بانی همه بلایایی است که گریبانگیر مردم ایران است و لذا

حفظ این نظام تحت هر پرچم و رنگ و لعاب متفاوت دیگری نمی تواند جوابگوی مطالبات وسیع و اساسی مردم ایران باشد. عبور از رژیم اسلامی و نظام سرمایه داری لازمه بنای جامعه ای است که رفاه و آزادی را برای مردم ایران تضمین کند. در این راستا جنبش کارگری ایران و جناح چپ و سوسیالیست آن مسئولیتی سنگین بدوش دارند تا بسرعت در محل های زیست خود متشکل شوند، تشکلهای خود در محل کار را ایجاد کنند، و آنرا تا ایجاد تشکلهای کارگری در سطح شهر، منطقه و سراسری ادامه دهند، حزب سیاسی خود را ایجاد کنند و برای اعتصابات سراسری آماده شوند. سرنگونی رژیم اسلامی در گرو اتحاد جنبش کارگری شامل بازنشستگان و معلمان، با جنبش دانشجویی، زنان، جنبش رفع ستم ملی حول خواست محوری "نان و آزادی" و با ترکیبی از تظاهرات خیابانی، اعتصابات کارگری، اعتصاب عمومی و در نهایت قیام است.

**سرنگون با رژیم اسلامی سرمایه
پیروز باد مبارزه برای نان و آزادی
زنده باد سوسیالیسم**

**شورای مرکزی اتحاد
سوسیالیستی کارگری
۷ بهمن ۱۳۹۶ - ۲۷ ژانویه ۲۰۱۸**

بقیه "حداقل دستمزد و ... " از ص ۱

طی دهه های گذشته مطالبه ی کارگران برای افزایش دستمزد متمرکز نبود و با اعلام ارقام متفاوت و با مکانیزم های مختلف مخدوش می گردید و تنها محور مبارزه در این رابطه پس از اعلام دستمزد توسط شورای عالی کار، مخالفت با آن بود. در تمام این سالها، با اعلام رقمی مشخص از جانب تشکل های معتبر کارگری این مبارزه وارد فاز جدیدی شد و انسجام یافت. در واقع اعلام رقم مشخص مطالبه شده توسط تشکل های کارگری، آنها را به مرجع اصلی تعیین مطالبه ی دستمزد طبقه کارگر تبدیل کرده است.

چند ویژگی دیگر اکنون به این مبارزه جایگاه مهمتری داده است. اولاً در شرایطی این مطالبه مطرح می شود که جنبش وسیع توده ای در دی ماه ۹۶ به میدان آمد و تاثیرات بسزایی در تغییر فضای سیاسی جامعه داشته است. به این اعتبار رو در رویی کاملتر کارگران و مردم را در عبور از اصلاح طلبان و تا حدودی زیادی عبور از اسلام در جنبش به همراه داشت. مبارزه برای افزایش دستمزد فقط کارگران و دیگر مردم هم سرنوشت با این طبقه (معلمان، پرستاران و ...) را نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی قرار می دهد بلکه در مقابل تمام کارفرمایان و سرمایه داران صف بندی می کنند و لیبرال ها و دیگر جریانات مدافع منافع سرمایه و صنایع که تلاش دارند خود را در کنار جنبش مردم نشان دهند طرد کرده و به حاشیه می راند. مبارزه برای افزایش دستمزد در این دوره نه فقط یک مبارزه اقتصادی بلکه مبارزه سیاسی طبقه ی کارگر در صحنه ی

مبارزه برای نان است. دشمنان دروغین مردم یا نمی توانند از این مطالبه حمایت کنند و یا در صورت هر شکل از حمایت بر نقش تعیین کننده طبقه کارگر مهر تایید می زنند. این چند ویژگی جنبش کارگری را در پیکارهای طبقاتی تقویت می کند. و دوم اعلام مطالبه افزایش دستمزد به میزان پنج میلیون تومان توسط سه تشکل مهم و معتبر جنبش کارگری است که اکنون در عرصه ی سیاسی و مبارزه اقتصادی جامعه ی ما نقش مهمی ایفا می کنند. سندیکاهای نیشکر هفت تپه و سندیکای رانندگان شرکت واحد تهران پس از فراز و نشیب های بسیار در جدال داخلی و خارجی با جریانات راست و سرکوب های رژیم سربلند و مصمم راه خود را به جلو باز کرده و پیش می روند و از سوی دیگر طی چند سال گذشته کارگران و معلمان بازنشسته با اتحاد و تلاشی مستمر تشکل خود را ایجاد کرده و چندین آکسیون مهم برگزار کردند. اتحاد این سه تشکل مهم کارگری هر چه بیشتر وزن جنبش کارگری را به طور مشخص در مبارزه برای افزایش دستمزد و عموماً در جنبش کارگری سنگین تر می کند.

هر چند جایگاه اطلاعیه مطالبه ی افزایش دستمزد سه تشکل کارگری بسیار معتبر است اما واضح است که مبارزه برای افزایش دستمزد به انتشار اطلاعیه ی این سه تشکل خلاصه نمی شود و حمایت همه ی سوسیالیست ها و فعالین جنبش کارگری و روشنفکران و زحمتکشان را می طلبد. مبارزه برای افزایش دستمزد تا سقف پنج میلیون تومان را باید در تمام طول سال و با جدیت

ادامه داد. مبارزه برای افزایش دستمزد در متن اوضاع سیاسی مولفه ای اساسی در مبارزه برای نان است. هر چه مبارزه ی کارگران قوی تر و وسیعتر گردد نقش آنها در جنبش توده ای و سرنوشت سیاسی آینده نیز بیشتر می گردد. در شرایطی که بحران اقتصادی سرتاپای جامعه را فرا گرفته و فاصله طبقاتی به مدارج بالایی رسیده است و جدال های طبقاتی بیشتر و بیشتر می شود، رقابت برای تعیین سرنوشت سیاسی جامعه بین کارگران و زحمتکشان از یک طرف و از سوی دیگر سرمایه داران و دیگر مرفهین اپوزیسیون افزایش میابد. در این جدال تنگاتنگ، مبارزه برای افزایش دستمزد یکی از پیشروترین مبارزه ها در تقویت قطب کارگری جامعه است و کمک می کند تا کارگران تشکلهای محل کار خود را نیز در دل این مبارزه ایجاد کنند.

اتحاد سوسیالیستی کارگری به مثابه بخش جدایی ناپذیر جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری حمایت خود را از مطالبه ی پنج میلیون تومانی کارگران ایران اعلام می کند و برای ایجاد اتحاد کارگری در این مبارزه و رفع موانع آن خواهد کوشید.

زنده باد اتحاد کارگری برای دستمزد ۵ میلیونی
پیش بسوی ایجاد تشکلهای کارگری در محل کار

زنده باد مبارزه برای نان و آزادی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

بهمن ماه ۱۳۹۶ برابر با فوریه ی ۲۰۱۸

کمیته ی اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری



بقیه «اتحاد جنبش زنان و ...» از ص ۱

جناح اصلاح طلب و اصولگرا مهر باطلی بود بر چهار دهه اتکا به صندوق رای برای دستیابی به خواستها و مطالبات مردم و اثبات این حقیقت بود که مانند همه جنبشهای اجتماعی جنبش زنان نیز برای رسیدن به اهداف خود ابتدا باید رژیم اسلامی را سرنگون کند. امسال ۸ مارس می تواند صحنه عهد و پیمان جنبش زنان با دیگر جنبشهای اجتماعی و به ویژه با جنبش کارگری علیه کل حاکمیت رژیم اسلامی و برای نان و آزادی باشد.

زنده باد هشت مارس، روز جهانی زن

زنده باد اتحاد جنبش زنان و جنبش کارگری

سرنگون باد رژیم اسلامی سرمایه

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

دوم اسفند ۹۶ - ۲۱ فوریه ۲۰۱۸

تمام قید و بندهای نابرابری در گرو پایان دادن به نظام سرمایه داری است. وقتی دیکتاتوری، زندان، شکنجه و اعدام در رژیم سلطنتی نتوانست از منافع صاحبان سرمایه و صنایع حراست کند این وظیفه به جناح اسلامی مخالفان شاه سپرده شد تا دین را در خدمت حفظ نظام سرمایه داری بکار گیرند، و برای تکمیل کار نیمه تمام شاه، جنبش زنان، جنبش رفع ستم ملی و جنبش کارگری را سرکوب کنند و آنهایی که با قدرت انقلاب از زندان آزاد شده بودند مجددا دستگیر، شکنجه و اعدام کنند تا انقلاب را شکست دهند و یک دیکتاتوری سیاه و مذهبی بر ایران حاکم گردانند.

مبارزه مردم در دیمه علیه دیکتاتوری، علیه اصل ولایت فقیه، علیه حاکمیت دین و علیه هر دو

با تاکید بر مبارزه با حاکمیت دین، به مباحث حقوق زنان در محدوده قوانین و مقررات ارتجاعی اسلام یک ضربه مرگبار زد. زنان کارگر در اعتصابات کارگران هفت تپه به جلو صحنه آمدند، جاده بستند، برای کارگران اعتصابی سخنرانی کردند و بخشی از رهبری اعتراضات کارگران شدند. دختران خیابان انقلاب اعتراض به حجاب اجباری را به گوش جهانیان رساندند.

با دختران خیابان انقلاب جنبش زنان برای رفع تبعیض و حقوق برابر، و با علنی شدن سهم زنان در اعتراضات کارگران هفت تپه جنبش طبقاتی زنان کارگر برای رهایی، جنبش زنان در هر دو عرصه مبارزه خود یک گام بزرگ به جلو برداشت و میرود تا سهمی اساسی در انقلاب علیه رژیم اسلامی بیابد. رهایی زنان از

زنده باد جنبش انقلابی زنان!

قوه فاسد قضائیه رضا شهابی را مجدداً به زندان برد



رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، دیروز، چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۶ - ۹ اوت ۲۰۱۷ مجدداً زندانی شد. بهانه این بار باقی ماندن سه ماه از دوران محکومیتش بود.

رضا شهابی ۲۲ خردادماه ۱۳۸۹ در حین کار توسط مزدوران وزارت اطلاعات دستگیر شد. در بیدادگاه قوه فاسد قضائیه به دلیل عضویت در سندیکای کارگران واحد و دفاع از حقوق کارگران به شش سال زندان، هفت میلیون و پانصد هزار تومان جریمه نقدی و پنج سال محرومیت از فعالیت های سندیکایی محکوم شد. وی را ۱۹ ماه در انفرادی ۲۰۹ اوین نگه داشتند. رضا شهابی در اثر شکنجه از ناحیه گردن و کمر شدیداً آسیب دید و دو بار از ناحیه گردن و کمر تحت عمل جراحی قرار گرفت.

در اعتراض به محکومیت ظالمانه و بد رفتاری ماموران زندان، رضا شهابی در آخرین بار حدود شصت روز و تا آستانه مرگ اعتصاب غذا کرد. در پایان با استقامت و مبارزه اش و اعتراضات همکاران و دیگر فعالین و تشکلهای کارگری در داخل و خارج کشور بطور مشروط، با یک وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی و با تأیید پزشک قانونی برای ادامه معالجه اش آزاد شد. با اینکه مرخصی استعلاجی بخشی از دوران محکومیت است و خود وی در

مراجعه روز ۱۷ مرداد به زندان رجایی شهر نامه آزادی خود به تاریخ ۲۴ شهریور سال ۱۳۹۴ را در پرونده دیده است اما دادستانی غیبت رضا شهابی در سال ۱۳۹۳ را بهانه کرده تا وی سه ماه دیگر در زندان باشد.

ماههاست که دهها حساب شخصی رئیس قوه فاسد قضائیه در مجلس و رسانه های داخل و خارج کشور مطرح است که سود سپرده ها و وثیقه های محکومین بیدادگاههای اسلامی بدان واریز میشود و از این طریق لاریجانی سالانه صدها میلیارد تومان به جیب می زند. در همین راستا دادستانی دستور ضبط وثیقه ۲۰۰ میلیونی رضا شهابی را صادر کرده و وی در پایندی اخلاقی به صاحب وثیقه به زندان باز گشت تا قوه فاسد قضائیه

وثیقه ۲۰۰ میلیون تومان را بالا نکشد.

حبس رضا شهابی محکوم است. فعالین و تشکلهای کارگری در داخل و خارج از ایران آنرا محکوم خواهند کرد. رژیم اسلامی از اعتراض تشکلهای کارگری جهانی خلاصی نخواهد یافت. همان اعتراضاتی که رژیم اسلامی به دروغ به تشکلهای کارگری اطلاع داد که رضا شهابی آزاد شده و به سرکار بازگشته است تا از زیر فشار رها شود.

رضا شهابی بدون قید و شرط باید آزاد شود

هیچ فعال کارگری نباید در زندان باشد

زندانیان سیاسی و عقیدتی باید آزاد شوند

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۱۹ مرداد ۱۳۹۶ - ۱۰ اوت ۲۰۱۷

پیش بسوی ایجاد تشکلهای کارگری در محل کار

بقیه "نقش زنان کارگر در ... " از ص ۱

در چند ماه گذشته کارگران نیشکر هفت تپه اعتصابات متعددی داشتند. در یکی از این اعتصابات که از ۱۸ آذر آغاز شد در ۲۳ آذر و با توافق کارفرما با خواست کارگران بطور مشروط خاتمه یافت. در مذاکرات ۲۳ آذر که علاوه بر نمایندگان کارگران و کارفرما فرماندار شوش هم حضور داشت، مسئولین به نمایندگان کارگران قول مساعد داده اند که حقوق های معوقه و مزایای تمام کارگران پرداخت خواهد شد. از جمله خواسته های دیگر کارگران، به رسمیت شناختن "سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه" از طرف مدیریت کارخانه و مسئولین بود که با پا فشاری نمایندگان کارگران، مسئولین فعلا با این خواست توافق کرده اند. از نظر

سندیکای کارگران هفت تپه، شناخت و تجربه، به ما کارگران آموخته است مسئولین و حامیان نظام سرمایه داری، وقتی خود را مجبور به جابجایی می دانند که ترس از اعتصاب و اتحاد کارگری، سرپای آنها را به لرزه درآورده باشد.

در دومین روز اعتصاب (۱۹ آذر) یکی از زنان کارگر برای اعتصابیون سخنرانی کرد که در زیر متن آنرا می خوانید:

کارگران عزیز و محترم

ما تا الان خواستمان طلب حقوقمان بوده. پنج ماه حقوق نگرفتیم. مایه که رسمی بودیم. آنهایی که قراردادی بودند که خیلی بیشتر. اونهایی که روز مزد بودند خیلی به

بیشتر. اونهایی که پیمانی بودند خیلی بیشتر. از حالا به بعد حقوق نمی خواهیم. از حالا به بعد حرف ما رفتن افشار است. واگذاری شرکت از بخش خصوصی به بخش دولتی.

تا زمانی که کسی پاسخگوی کارگران هفت تپه و خانواده هایشان نباشد کار در این شرکت تعلیق است. از فردا اعتصاب به جلوی فرمانداری منتقل میشود.

ما پنج تا زن بودیم که دیروز با بستن جاده توانستیم که انقلابی ایجاد کنیم که خبرمان به فرمانداری، استانداری، به تمام بخشهای کشوری و وزارت، به همه جا برسد.

..... جز زنانی که شما تمام برداران پشتیبانی ما باشید .

در اعتراض به تغییر بند و غارت وسایل زندانیان سیاسی رجایی شهر

از روز ۸ مرداد دهها زندانی سیاسی زندان رجایی شهر دست به اعتصاب غذا زدند. مسئولان فاسد زندان در یک اقدام ناگهانی و بدون اطلاع قبلی دهها زندانی بند ۱۲ را که در هواخوری و بیرون بند بودند به بند امنیتی نوساز ۱۰ منتقل کردند. مطابق گزارشات این بند اوضاع اسفناک تری نسبت به دیگر بندها دارد. زندانیان از ابتدایی ترین امکانات اولیه نظیر وسایل خنک کننده، یخچال و هوای کافی جهت تنفس محروم هستند. بعلاوه برای کنترل زندانیان دوربین های متعددی حتی در حمام ها و توالت ها کار گذاشته اند.

که طی سالها آنها را با پول خود خریده و یا از زندانیان آزاد شده باقی مانده بود، قوه فاسد قضائیه غارت و تصاحب کرده است. دهها زندانی سیاسی از جمله سعید شیرزاد، سعید ماسوری، شاهین ذوقی تبار، ابراهیم فیروزی، وحید صیاد نصیری، رضا اکبری منفرد، امیر قاضیانی، ابوالقاسم فولادوند، حسن صادقی، محمد نظری، حمید بابایی، پیام شکیبی، محمد بنزاده، محمد امیر خیزی، محمد علی منصوری، مجید اسدی و جعفر اقدامی در اعتراض به اعمال ضد بشری عاملان قوه قضائیه از ۸ مرداد اعتصاب غذا کرده اند و خواهان بازگشت به بند کمتر اسفناک تر، بند ۱۲ و پس گرفتن وسایل خود هستند.

مرداد به این زندان فرستادند و اعتصاب غذایش را شروع کرد، ده روز از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بند ۱۰ گذشته بود. رضا شهابی با اعتصاب غذای خود به آنها پیوسته و از خواست آنها مبنی بر بازگشت به بند ۱۲ و پس گرفتن وسائیلشان حمایت می کند در عین اینکه هدف اعتراض خودش آزادی بدون قید و شرط است و کمپین های حمایتی از وی در داخل و خارج و اطلاعیه های تشکلهای کارگری جهانی نیز خواهان آزادی بدون قید و شرط رضا شهابی هستند.

آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی

سرنگون باد رژیم اسلامی سرمایه

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۱۳ شهریور ۱۳۹۶ - ۴ سپتامبر ۲۰۱۷

هنگامی که رضا شهابی را در ۱۸

وسایل شخصی زندانیان در بند ۱۲

به رضا شهابی و حامیان وی!

آگاه خواهد بود، اما از طرفی زنده بودن رضا شهابی برای جنبش کارگری بسیار مهمتر و تاثیر گذارتر است و از طرف دیگر همه ی حامیان رضا شهابی در این دوره هم پیمان و متعهد می توانند باشند تا با پایان یافتن اعتصاب غذای او همچنان و با پیگیری کنونی، حمایتشان و اعتراضشان را ادامه دهند. جنبش کارگری نیاز به چهره های استوار و با نفوذی مثل رضا شهابی دارد. مبارزه ادامه دارد و سالم بودن رضا شهابی و افرادی مثل او برای طبقه کارگر در نبردهای سرنوشت ساز پیش رو ضروری است.

ما به نوبه ی خود ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت او مسئولیت هر گونه اتفاقی برای رضا شهابی را متوجه جمهوری اسلامی می دانیم، اما فکر می کنیم همه ی حامیان وی می توانند ضمن درخواست پایان اعتصاب غذا از رضا شهابی هم پیمان شوند تا آزادی او، با همین توان و حتی بیش از آن تلاش کنند.

سرنگون باد رژیم ضد کارگری
جمهوری اسلامی!

رضا شهابی بدون قید و شرط باید آزاد شود

زنده باد سوسیالیسم!

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۲۱ سپتامبر ۲۰۱۷

کارگری مطرح است و به همین دلیل نیز حمایت های کم نظیری در این دوره از وی انجام شده است. تجمع اعضای سندیکای واحد و فعالین کارگری در مقابل مجلس، حرکت با سرعت بیست کیلومتر و با چراغ های روشن از طرف رانندگان شرکت واحد، تجمع در مقابل زندان، دیدارهای جمعی و فردی با خانواده ی رضا شهابی، حمایت وسیع تشکل های کارگری خارج کشور، کمپین های حمایتی در خارج کشور، حمایت های وسیع رسانه ای و ... از جمله ی آنها است. حمایت های گسترده، رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار داده است.

همسر رضا شهابی پس از ملاقات دیروز با وی اطلاع داده است که نیمه ی چپ بدن رضا بی حس شده و سوزش معده و فشار خون پایین وی را رنج می دهد و کاهش وزن زیادی داشته است. رضا شهابی اعلام کرده دیگر چای و قند نخواهد نوشید و از روز پنجشنبه به اعتصاب غذای خشک دست خواهد زد. تبدیل اعتصاب غذای تر به اعتصاب غذای خشک پس از چهل و پنج روز موقعیت او را در وضعیت بسیار بحرانی قرار خواهد داد. با اعتصاب غذای خشک مدت کوتاهی می شود زنده ماند. واضح است که هر گونه اعتراضی و به هر شکلی از جانب رضا شهابی مورد حمایت ما و جنبش کارگری و دیگر مردم

رضا شهابی را با پاپوش روانه زندان کردند. مطابق اطلاعیه دیروز سندیکای واحد، "مسئول ارشد اطلاعاتی با شهابی صحبت کرده است و به رضا گفته که محکومیت شما در تاریخ ۹۴/۰۶/۲۴ تمام شده است. اما چون به فعالیتهای سندیکایی ادامه داده ای دستگاه اطلاعاتی قصد بازداشت مجدد شما را داشته اما در نهایت به این نتیجه رسیده که با غیبت اعلام کردن مرخصی ای پزشکی شما را گوشمالی بدهد. و شب قبل از مراجعه شما به زندان در هیجدهم مرداد ماه با زندان تماس گرفته شده که علیرغم اینکه نامه آزادی شهابی در پرونده است، ایشان را در زندان نگهدارید.

رضا شهابی که محکومیت ۵ سال قبلی خود را نیز ناعادلانه می دانست در اعتراض بی عدالتی دستگاه فاسد قضایی از همان روز ورود خود به زندان، در ۱۷ مرداد دست به اعتصاب غذا زد. رضا شهابی در چهل و پنجمین روز اعتصاب غذا به سر می برد. جسمش به شدت تحلیل رفته و بیماری هایش تشدید شده است. او در شرایط بحرانی قرار دارد و هر اتفاق ناگواری ممکن است رخ بدهد. خون ریزی معده، سکته، نقص عضو و ... رضا شهابی اکنون نه فقط به مثابه عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد بلکه به عنوان چهره شاخص جنبش

رضا شهابی را فوراً آزاد کنید!

امروز دوشنبه ۳۰ مرداد، سیزدهمین روز اعتصاب غذای رضا شهابی در اعتراض به حکم ضد کارگری بیدادگاههای قوه فاسد قضائیه رژیم اسلامی است. در حمایت از رضا شهابی و برای آزادی بدون قید و شرط وی از زندان، تشکلهای کارگری جهانی و تشکلهای کارگری و سازمانهای سیاسی ایران به رژیم اسلامی اعتراض کرده اند.

رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای رانندگان اتوبوسرانی تهران و حومه تنها به دلیل مطالبات کارگری سالها متحمل حبس شد و در اثر شکنجه از ناحیه گردن و کمر آسیب دید و چند بار مورد عمل جراحی قرار گرفت، اما در مقابل

سرمایه داران حاکم سر خم نکرد و حاضر نشد سکوت اختیار کند. به همین دلیل و به دلیل ادامه اعتراضات کارگری دستگاه سرکوب رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر علیه این کارگر مبارز وارد عمل شد و با توطئه برای بالا کشیدن ملک وثیقه ای که برای رضا شهابی وجود داشت وی را واردار کردند که به زندان باز گردد. با وجود اینکه در پرونده رضا شهابی حکم آزادیش وجود دارد، آنها مدت تحت درمان بودن او را از مدت محکومیت‌هایی که گذرانده کم کردند و ۱۷ ماه حبس مجدد به رضا شهابی ابلاغ کرده اند.

این کارگر مبارز یکی از خوش نامترین و شناخته شده ترین فعالین جنبش کارگری است. در دوره ی پیشین زندان بودن وی حمایت‌های وسیع کارگری و مردمی او را از زندان آزاد کرد، اکنون نیز رضا شهابی تنها

نیست و مبارزه برای آزادی وی جدای از مبارزه در راه جنبش کارگری نیست. رژیم جمهوری اسلامی کارگران مبارز را به بند می کشد چون از رسیدن صدای آنها به گوش دیگر کارگران می هراسد. اکنون اگر هر یک از ما صدای رضا شهابی بشویم رژیم نفعی از ادامه ی در بند نگهداشتن اونمی برد و دسیسه ی در بند نگهداشتنش به ضد رژیم تبدیل می گردد.

رضا شهابی و دیگر کارگران در بند باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند. هرگونه آسیبی به رضا شهابی در جریان اعتصاب غذایی عواقب زیادی برای جمهوری اسلامی خواهد داشت. متحد و پیگیرانه برای آزادی رضا شهابی تلاش کنیم.

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۲۱ اوت ۲۰۱۷

شهابی آزاد باید گردد!

جان رضا شهابی عضو هیئت رئیسه سندیکای شرکت واحد در خطر است. پس از سالها شکنجه و زندان این کارگر مبارز با پاپوش جدیدی دوباره روانه زندان شد و آزادی او را مشروط به دست کشیدن از فعالیت سندیکایی و کارگری اعلام کردند. این گروگان گیری در شرایطی است که به دلیل

وضعیت وخیم جسمی رضا شهابی به دلیل شکنجه‌هایی که در گذشته متحمل شده بود رو به وخامت رفت و پزشکان اعلام کردند وضعیت جسمی رضا شهابی به گونه ایست که نمی تواند متحمل حبس بشود و باید تحت درمان قرار بگیرد. اما رژیم او را همچنان در زندان نگهداشت و در نتیجه رضا شهابی سخته کرده است. اکنون جان رضا شهابی در خطر است. رژیم جمهوری اسلامی می خواهد همانند شاهرخ زمانی و محمد جراحی، رضا شهابی را نیز بکشد.

این حکومت سرمایه داری بزرگترین دشمن کارگران در ایران است.

اکنون در شرایطی که با وجود سخته او را همچنان در زندان نگهداشته اند و هر آن ممکن است با سخته دیگری رضا شهابی کشته شود باید به یاری او بشتابیم. موج اول مبارزه برای آزادی رضا شهابی در این دوره از زندانی شدنش او را سرشناس تر کرد و اعتراضات داخلی و خارجی بسیاری انجام شد. اعتراضات بی تاثیر نبود و رژیم ناچار شد وعده‌هایی برای آزادی او

کارگران کارخانه هپکو:

زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی. جان فدا می‌کنیم در راه آزادی

کارگران کارخانه آذرباد جاده اراک - تهران را به طور کامل بستند و کارگران هپکو نیز در محل پل «شهید بختیاری» روی ریل راه آهن تجمع کردند. هزاران کارگر این دو کارخانه با این دو حرکت کارگری هماهنگ در اراک در روز سه شنبه ۲۸ شهریور، خواهان دریافت دستمزد و مطالبات معوقه خود و داشتن امنیت شغلی هستند.

هزار و ۸۰۰ کارگر کارخانه آذرباد چهار ماه است دستمزد نگرفته‌اند. کارخانه آذرباد با کمتر از ۲۰ درصد ظرفیت کار می‌کند و کارگران با خطر از دست دادن کارشان روبرویند. بعلاوه حدود ۹۰۰ کارگر کارخانه هپکو نزدیک ۹ ماه است که دستمزدهایشان مرتب پرداخت نشده است و روسای کارخانه در تیر ماه، کارگران را اجبارا به مرخصی فرستادند. این کارگران پس از چند بار تظاهرات خیابانی روز سه شنبه روی پل "شهید بختیاری" روی ریل راه آهن تجمع و خطوط راه آهن را بستند و شعار سر دادند: «زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در راه آزادی». روز سه شنبه یگان ویژه ضد شورش با حمله به هر دو تجمع، برای متفرق ساختن کارگران گاز اشک آور شلیک کردند و به تیراندازی هوایی متوسل شدند.

هزاران کارگران این دو کارخانه نظیر بسیاری دیگر از کارگران در سراسر ایران ماههاست که دستمزد نگرفته‌اند و همواره به آنها وعده‌های توخالی تحویل داده‌اند. بالاخره کاسه صبر آنها لبریز شد و جاده اراک - تهران و پل راه آهن «شهید بختیاری» را بستند. کارخانجات آذرباد و هپکو در کنار کارخانه‌های ماشین سازی اراک، واگن پارس، ساینا و ایرالکو، ۶ واحد صنعتی بحرانی در استان مرکزی است که مقامات دولت اعتراف کرده‌اند که از نجات آنها عاجزند. این بخشی از یک عجز عمومی رژیم سرمایه داری اسلامی در حل معضلات عدیده حاکم بر ایران است و برای کارگران راهی جز ادامه و گسترش مبارزه باقی نگذاشته است.

اما تفاوت اعتراض کارگران آذرباد اراک با اعتراضات عمومی کارگران این بود که با بستن جاده و پل راه آهن اقدامی جدی تر انجام دادند و صدایشان را به گوش دیگر کارگران و مردم رساندند و به همین دلیل نیز مورد یورش وحشیانه قرار گرفتند، اما امکان گرفتن حق و حقوقشان وجود دارد. در شرایط کنونی به هر درجه که مبارزه کارگران با قدرت و حدیت بیشتری

بقیه «شهابی آزاد باید گردد»، از ص ۹

بدهد. با کاهش اعتراضات رژیم سرمایه داری اسلامی باردیگر بر در حبس نگهداشتن رضا شهابی اقدام کرده است.

کارگران، دانشجویان و مردم آزادبخواه!

با به راه انداختن موج دیگری از اعتراضات به هر شکل ممکن به یاری رضا شهابی و جنبش کارگری بشتابید. هیچ اعتراضی بی تاثیر نیست، بخصوص اعتراضات جمعی به هر شکل ممکن در شرایطی که بحران اقتصادی شدیدی وجود دارد و اعتراضات کارگری و توده ای افزایش یافته است و رژیم جمهوری اسلامی مستاصل از حل بحران است، می تواند تاثیرات قوی بجا بگذارد. می شود رژیم سرکوبگر را به عقب نشینی وادار کرد. رضا شهابی از دل مبارزات کارگری بیرون آمده و وظیفه همه کسانی که دغدغه ی مسائل کارگران و زحمتکشان را دارند و خواهان دگرگونی این مناسبات کثیف حاکم بر جامعه هستند، ضروری است برای آزادی رضا شهابی مبارزه کنند. رضا شهابی و دیگر کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بدون هیچ قید و شرطی باید آزاد شوند.

سرنگون پاد رژیم ضد کارگری
جمهوری اسلامی!

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری
دسامبر ۲۰۱۷ برابر با آذر ماه ۱۳۹۶

محمد جراحی پس از تحمل ۵ سال زندان و بدون گرفتن حتی یک روز مرخصی در مرداد ۹۵ با تنی رنجور از بیماری سرطان اما با روحیه ای بالا برای مبارزه با صاحبان سرمایه و

صنایع و رژیم حامیان آنها از زندان آزاد شد. مسئولین قوه فاسد قضائیه در یک اقدام ضد انسانی از مداوی ضروری وی در بیرون زندان جلوگیری کردند تا مرگ وی را بگردن بیماری سرطان بیاندازند. مسئول مرگ محمد جراحی رژیم اسلامی است.

محمد جراحی اولین زندانی سیاسی نیست که رژیم اسلامی عامدانه از معالجه اش جلوگیری کرده است. جلوگیری از معالجه زندانیان سیاسی و جلو انداختن مرگ آنها از این طریق یک رویه عادی در رژیم اسلامی است.

ما مرگ محمد جراحی را به خانواده وی، آشناپان و فعالین اجتماعی، سیاسی و جنبش کارگری تسلیت می گوئیم. جنبش کارگری یاد محمد جراحی را که حتی تا آخرین روزهای زندگیش و بر تخت بیمارستان فعالیت و مبارزه علیه صاحبان سرمایه و صنایع و رژیم اسلامی حامی آنها را ادامه داد، همیشه به یاد خواهد داشت.

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری
۱۴ مهر ۱۳۹۶ - ۶ اکتبر ۲۰۱۷

اتحادیه کارگری بازداشت و به ۴ ماه حبس محکوم شد اما پس از یک ماه آزاد شد.

محمد جراحی آخرین بار خرداد سال ۹۰ و به همراه شاهرخ زمانی یار دیرینه اش توسط اداره اطلاعات تبریز دستگیر شدند و

به اتهام تلاش برای ایجاد «تشکل غیرقانونی» و «تبلیغ علیه نظام» در یکی از بیدادگاه های قوه فاسد قضائیه به ریاست قاضی حملبر به ۵ سال و شاهرخ زمانی به ۱۱ سال حبس محکوم شدند. شاهرخ زمانی از زندان تبریز به زندان یزد و سپس به زندان رجایی شهر منتقل شد و در سال ۹۴ که ۵۱ سال داشت در زندان کشته شد.

محمد جراحی را در زندان تبریز نگه داشتند و تا پایان محکومیت ۵ ساله اش در آنجا ماند. او در زندان تبریز مبتلا به سرطان تیروئید شد و مورد عمل جراحی قرار گرفت. اما مقامات زندان برخلاف نظر پزشکان و همچنین بارها درخواست خودش، از دادن مرخصی استعلاجی به وی برای ادامه درمان بیماریش در خارج از زندان امتناع کردند.



رژیم سرمایه داری اسلامی مسئول مرگ محمد جراحی

محمد جراحی دیروز، پنجشنبه در بیمارستان شهدای تجریش در گذشت و امروز جمعه، ۱۴ مهر ۱۳۹۶ (ششم اکتبر ۲۰۱۷) در گورستان وادی رحمت تبریز، خانواده، آشناپان، فعالین سیاسی، اجتماعی و جنبش کارگری با محمد جراحی وداع کردند و سپس بر سر مزار شاهرخ زمانی یار دیرینه اش رفتند که در سال ۹۴ در همان گورستان به خاک سپرده شده است. محمد جراحی چهره شناخته شده جنبش کارگری، نقاش ساختمان، عضو سابق کمیته پیگیری و عضو سندیکای نقاشان ساختمانی بود. محمد جراحی قبلا در سال ۸۶ به خاطر داشتن بولتن

ما ضمن ابراز همبستگی با کارگران آذربایجان و هیکو، سرکوب آنها را محکوم می کنیم.

سرنگون یاد رژیم سرمایه داری اسلامی
کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری
۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷

بقیه «زیر بار ستم ...» از ص ۱۰ همراه باشد نتیجه آن نیز عقب نشینی سرمایه داران و حکومتشان خواهد بود، چون موقعیت آنها بی ثبات است. کارگران ایران چند مرتبه زیر خط فقر قرار دارند و جانیشان به لب رسیده است و راهی جز ایجاد تشکل کارگری و مبارزه متشکل برای احقاق حقوق خود ندارند.

کارگری بر حرکت‌های رو به پیش توده های کارگر افزوده است.

رژیم سرمایه داری اسلامی با نگرانی از اوج گیری مبارزات کارگری بر دستگیری و فشار بر فعالین کارگری متمرکز شده و با تهدیدها، احضارها و دستگیریها می کوشد تا جنبش کارگری ایران را از فعالینش در شرایطی محروم کند که بیش از پیش به آگاهی و تجربه آنها در متحد و متشکل شدن که لازمه پیروزی است، نیاز دارد.



روانه زندان کردند.

در اعتراض به دستگیری محمود صالحی

اوج گیری جنبش کارگری و دستگیری فعالین آن

روز شنبه ششم آبان، محمود صالحی، فعال سرشناس جنبش کارگری ایران هنگامی که پس از انجام دیالیز کلیه از بیمارستان خارج میشد، توسط مامورین اطلاعات بازداشت و پس از انتقال به دادگاه اجرای احکام و ابلاغ یکسال حکم، به زندان مرکزی شهر سقز انتقال یافت. ماموران وزارت اطلاعات روحانی با آگاهی کامل از بیماری محمود صالحی و نیاز وی به مراقبتهای ویژه برای معالجه و کنترل بیماریش در بیرون زندان، او را

تشدید فشار به فعالین جنبش کارگری و فعالین معلمان از جمله رضا شهبابی، اسماعیل عبدی و محمود بهشتی لنگرودی در ارتباط مستقیم با گسترش مبارزات کارگری و اعتراضات معلمان است. قبلا وعده های رژیم اسلامی برای بهبود اوضاع پس از پایان تحریمها و اجرای برجام بسیاری را در صبر و انتظار نگه داشته بود. به مرور صبر و انتظارها کاهش یافت و اکنون مقامات رژیم اسلامی حتی وعده بهبود اوضاع را هم نمی دهند. این اوضاع جنب و جوش و مبارزه کارگران برای دریافت حقوق های معوقه، مقابله با اخراج و بسته شدن کارخانجات و برای بهبود اوضاع اقتصادی را شدیداً افزایش داده و به قدرت تاثیر گذاری فعالین

اکنون بخشهای بسیار بیشتری برای آزادی فعالین کارگری، معلمان و دیگر زندانیان سیاسی فعالیت می کنند. تشکلهای و فعالین کارگری در داخل و خارج به دستگیری محمود صالحی اعتراض خواهند کرد و خواهان آزادی بدون قید و شرط وی و رضا شهبابی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی و کلیه زندانیان سیاسی خواهند شد.

محمود صالحی باید بدون قید و شرط آزاد شود و تا روز آزادی، مراقبتهای ویژه برای معالجه و کنترل بیماری محمود صالحی تماماً به عهده وزارت اطلاعات دولت روحانی است.

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

هفتم آبان ۱۳۹۶

زنده باد انقلاب کارگری!

خانه سازی با استانداردهای لازم ساخته می شود و نه امداد رسانی صحیح و قوی وجود دارد. همه چیز تحت تاثیر فساد شدید حکومتی قرار دارد.

تنها کمک های مردمی خودجوش و کمک نهادهای مستقل است که بیشترین یاری را به مردم می رساند. با وجود آنکه مردم اکثرا تحت فشار اقتصادی و اجتماعی قرار دارند اما با جان و دل به کمک زلزله زدگان می شتایند و رژیم از این همبستگی و همکاری مردمی می هراسد. در جریان زلزله بم و آذربایجان عوامل رژیم از رسیدن کمک های مردمی به زلزله زدگان جلوگیری می کردند و حتی چند نفر را دستگیر کردند به جرم کمک رساندن به زلزله زدگان!! ضمن کمک رسانی های مردمی و مستقل باید نقش رژیم را در این فاجعه هر چه بیشتر افشا کرد.

عامل و مسئول کشته شدن مردم در چنین مقیاسی و امداد رسانی ناقص و با تاخیر و کم امکانات، رژیم جمهوری اسلامی است.

اتحاد سوسیالیستی کارگری همدردی خود را با تمام خانواده های داغ دیده و مصیبت زده اعلام می کند و آرزوی رهایی همه کارگران و مردم را از سیستم و مناسبات حاکم دارد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۱۳ نوامبر ۲۰۱۷



از دست داده اند باید زجر مضاعف بی خانمانی، سرما، گرسنگی، بی دارویی را نیز بکشند.

گسل های بسیاری در ایران وجود دارد و در واقع اقصا نقاط ایران همواره در معرض زمین لرزه هستند. زمین لرزه یک فاجعه ی طبیعی است، اما آیا تلفات آن در چنین وسعتی که هر چند سال یکبار در ایران تکرار میگیرد نیز طبیعی است؟ علم ساخت و ساز و عمران همانند دیگر علوم پیشرفت قابل توجهی کرده است و بیش از چند دهه است که کشوری مثل ژاپن و بسیاری دیگر کشورهای پیشرفته ساختمان های ضد زلزله می سازند. زمین لرزه هایی بزرگتر از زمین لرزه اخیر، در ژاپن بارها رخ داده و تلفات بسیار کمتری از تلفات زمین لرزه ها در ایران داشته اند. خانه ها در ایران از استاندارد لازم برخوردار نیستند و در همین زمین لرزه اخیر مسکن نوساز مهر که از جمله انبوه سازی های دولتی است فرو ریخت. در جامعه ای که حکومت تا بدین حد فاسد است نه

زمین لرزه و کشته شدن مردم!

بار دیگر زمین لرزه قربانی گرفت. در غرب ایران و شرق عراق زلزله ای در مقیاس بیشتر از هفت ریشتر به وقوع پیوست و هزاران خانه تخریب شد و تا کنون اعلام شده که صدها نفر جان باخته اند. آمار کشته شدگان ساعت به ساعت افزایش می یابد و هنوز عده ی زیادی زیر آوارند. شهرهای سرپل ذهاب، اسلام آباد غرب، کرند غرب، قصر شیرین، جوانرود، ثلاث و کرمانشاه و روستاهای اطراف آنها بیشترین آسیب را دیدند و ویران شده اند. تنها بیمارستان کرند غرب کاملاً تخریب شده و همه بیماران و خدمه پزشکی زیرآوار مانده اند. طبق معمول امکانات کمک رسانی و خدمات پزشکی، دارویی و غذایی بسیار ناچیز است و همین کمک های ناچیز و اندک نیز با تاخیر بسیار به محل اعزام می شوند. مردم مصیبت دیده که عزیزانشان را

بردگی سرمایه و کودکان کار

پروانه وزیری

هرسال میلیونها کودک به دلیل فقر و گرسنگی مجبورند وارد بازار کار شوند و نیروی کارشان را در مقابل مزد ناچیزی به دارندگان پول و قدرت بفروشند. نظام سرمایه داری جهانی که از بازتولید و سودآوری سیری ناپذیر و سرسام آورش با تهاجم وحشیانه نیروی کارگران و کودکانشان را به طوراسفباری بکار گرفته و آنان را به باتلاق بی انتهای فقر و فلاکت فزاینده ای فروبرده است.

بنا بر گزارش سازمانهای جهانی کار کودکان در ۱۳۵ کشور جهان، سالانه ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در جهان محروم از کودکی میشوند. طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از آنها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام وقت هستند. ۶۱ درصد این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در افریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین هستند که از راه قاچاق انسان به کارگری برده وار در کوره پزخانه میپردازند.

هنوز ۲۵۰ میلیون کودک در جهان نمیدانند کودکی چیست. بجای توپ بازی، «گل بازی، تفریح اجباری کودکان کار در کوره پزخانه ها، برای امرار معاش و نان در آوردن شده است.» محرومیتی که علیرغم اینکه در نزدیکی پایتخت روی داده اما نادیده گرفته میشود. آنها هستند

که زیر بنا و اصل ساخت بناهای با شکوه و برج میلاد و دیگر برج های عظیم در کلان شهرها را تولید میکنند و رویا های خود را در میان خشت ها جستجو میکنند. بجای مدرسه رفتن و یا بازی های کودکانه، سهم شان از دنیای کودکی چیزی جز بردگی و استثمار نیست.

در حالی که هنوز از نظر جسمی هم آمادگی به انجام کارهای سخت را ندارند ولی مجبورند که این فشار سنگین کار را بر جثه نحیف را تحمل کنند.

برای آنها کار زمان نمیشناسد به خصوص تابستان که اوج گرما و ساخت و سازهای ساختمانی هم زمان میشود و آنها مجبورند در برابر شلاق سوزان خورشید و کارفرما، بادهای داغ و گرمای غیرقابل وصف کوره های آتشدان کار کنند. اینجا دغدغه کودکان فراگیری حرفه و فنی نیست، این جا گرسنه ماندن چالشی بزرگی است، که کودکان برای حل آن ناچارند نزدیک ۱۰ ساعت در شبانه روز سخت کار کنند. خرید وسایل ایمنی کار بعهد خود کارگران است.

علی ۱۰ ساله با دستانی پینه بسته میگوید: «گاهی ۱۱ تا ۱۲ ساعت کار میکنم پولی که دریافت میکنم به سرعت کار و تعداد آجرهایی که می زنم ربط دارد.» خانه اش یک اتاق ۱۴ متری با فرش مندرس، یک دستشویی و حمام برای ۲۰ خانوار است و ادامه میدهد که «بیمه نیستم، همه

خانواده قاچاقی کار میکنیم و اگر مامور بیمه بیاید ما را پنهان میکنند، و یا باید از اینجا برویم.

پدرش میگوید: من ۱۲ سال است، شغلم قالب کشی است، اما فکر کنم حدود یک سال بیمه داشته باشم، بعید میدانم روزی بازنشستگی را ببینم، دیگر از من که گذشت، شاید وقتی از کار افتاده شوم بچه هایم مستمری بگیرند. مادرش فریاد میزند و میگوید: همه مجبوریم کار کنیم، برای هر خشت حدود ۲۵ هزار تومان حقوق میگیریم و سپس او دستکش های لاستیکی پاره ای را که خود تهیه کرده بود بعنوان وسیله کار نشان میدهد.

این شرایط برای پناهنده گان افغانستان بمراتب اسفبارتر است. عرفان میگه: بعضی روزها از ساعت ۲ شب تا ۵ عصر کار میکنیم، آخه بابام میگه وقت نداریم همه روز رو بخوابیم باید تو ماه چند هزار تا آجر بزنیم و تحویل بدیم.

عرفان با زخم انگشت هاش که ور میرفت میگه: «با خاک این طوری شده، اول ترک میخوره بعد ترک ها باز میشه و خون میاد و خارش میگیره بعد مثل کهیر تاول میزنه.

اینجا اردوگاه کار اجباری ست. زیر آفتاب ۴۰ درجه، دمایی که کودکی، بچه های آجرپزی را ذوب میکند و از میان میبرد. انسان را بیاد اردوگاه های اجباری می اندازد که در سلولی های کنار هم ساخته شدهاند و مجرم ها به جرم ناکرده میباید

رهایی از وضعیت فلاکتبار سرمایه داری ایران در گرو تحقق سوسیالیسم است

سیروان پرتو نوری

بحران اقتصادی و مالی سیستم سرمایه داری ایران روز به روز عمیق تر میشود و دامنه آن گسترش می یابد. در نتیجه این بحران، بسیاری از صنایع و رشته های تولیدی با رکود روبرو شده اند و در آستانه ورشکستگی قرار گرفته یا ورشکسته و تعطیل گشته اند. گسترش خیل میلیونی بیکاران، سقوط ارزش ریال، تورم و گرانی سرسام آور، از دیگر نشانه های بروز این بحران است که هر روز ابعاد تازه ای به خود می گیرد. از سوی دیگر تحریم های اقتصادی بر متن تعمیق این بحران بر وخامت این اوضاع آشفتہ- اقتصادی افزوده است. نه دولت روحانی نه هیچکدام از دیگر جناح های درون حکومتی قادر به کنترل این بحران نیستند، بلکه خود عامل تشدید این بحران و بن-بست اقتصادی هستند. پیامد این بحران اقتصادی و اجرای برنامه های ریاضت اقتصادی دولت، شرایط دشواری را به طبقه کارگر و مردم محروم و زحمتکش ایران تحمیل کرده است.

بر متن این اوضاع بحرانی اعتراضات و اعتصابات کارگران علیه شرایط فلاکتباری که به کار و

کوچکتر مشغولند تا بزرگسالان بتوانند وقت بیشتری را صرف تهیه آجر کنند. سن بیشتر این کودکان ۷ یا ۸ سال است که کار را آغاز میکنند و ۸۰ درصد آنها زیر ۱۰ سال میباشند.

در کاخانه های بنگلادش کار بسیار دشوارتر است. آنان باید حتی هنگام طوفان شن هم به ادامه دهند و نه تنها کار تعطیل نمیشود بلکه باید در میان گرد و خاک ناشی از طوفان به کار خود ادامه دهند و گرنه با تنبیه کافرما مواجه خواهند شد.

خانه های این کارگران شرایط زیستی مناسبی ندارد، سقف خانه یک متر و نیم است و فاقد برق و آب هستند. کودکان از ۶ سالگی کار را آغاز میکنند و دستمزد بر اساس تعداد آجر ساخته شده در روز است و گرنه حق خروج از کارخانه را ندارند.

در هند تخمین زده شده که در سراسر هند بیش از ۱۰۰ هزار کارگاه آجری وجود داشته است. که کودکان و زنان شاغل در کارگاه آجری پراز گرد و خاک روزی ۱۸ ساعت کار میکنند و مزد اندکی برای پخت آجر استفاده میشود و با توجه به نداشتن وسایل ایمنی کار دچار بیماریهای مختلف میشوند. این کارگران فقیر امیدوارند که با این کار طاقت فرسا صاحب رفاه بیشتری شوند که همیشه آرزو داشته اند.

لغو کار کودکان فقط در توان مبارزات پیگیر طبقه کارگر است تا کودکان مجبور نباشند نیروی شان بجای شادیهای کودکانه در معرض فروش استثمارگران بیرحم سرمایه داران قرار دهند.

بقیه "بردگی سرمایه و ... از ص ۱۴

روزها، ماه ها و شاید تا آخر عمر محکوم به تحمل روزگار سختی هستند. فراموش شدگانی کوچکی که فدای استثمار سرمایه داران جهانی اند.

در قلعه حیدر یکی از قریه های اطراف شهر کابل، پایتخت افغانستان هم کارگران این کوره ها هر روز صبح زود تا شب مجبوره کار هستند. هر کوره آجری حدود ۳۰ تا ۲۵ کارگر دارند. دور کامل که آجر های خام به پخته تبدیل میشود حدود ۹۰ روز است. قیمت هر آجر حدود ۲ تا ۳ افغانی (هر افغانی معادل یک دلار) است.

برای پخت آجر از ذغال سنگ استفاده میشود که با تولید دود غلیظ موجب بیماری ربوی کارگران و آلودگی محیط زیست میشود.

صدها کودک دختر و پسر افغانی در ولایت ننگرهار به منظور کمک به خانواده هایشان مجبورند به این برده گی با دستمزد روزانه یک دلار تن دهند. سن شان بین ۶ تا ۱۷ ساله است. آنها برای بدهی پدرانشان که برای نیاز های ضروری گرفته اند باید روزی ۱۲ تا ۱۸ ساعت کار کنند و امیدی به آینده ندارند.

در اسلام آباد پاکستان کارگران کودک و بزرگسالی که در کوره آجری مجبورند ۷۰ ساعت در هفته کار مشقت بار در زیر آفتاب داغ و سوزان را تحمل کنند. کودکان در آوردن آب، جارو کردن کارگاه و تهیه گلوله های گلی برای قالب زدن به بقیه کارگران کمک میکنند.

این در حالی است که آنان در خانه نیز به کارهایی چون آشپزی، جارو، آوردن آب و نگهداری از بچه های

بقیه "رهایی از وضعیت ..." از ص ۱۵

زندگی و معیشت آن‌ها-تحمیل شده گسترش یافته است. در شرایطی که دولت روحانی با هدف ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه و با اتکا به اعدام و کشتار زندانیان، و تهاجم به نهادها و فعالین جنبش‌های اجتماعی سیاست تعرض بازدارنده را در پیش گرفته است، طبقه کارگر بی وقفه برای رسیدن به خواستها و مطالبات خود به مبارزه ادامه داده است. علاوه بر جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جوانان و جنبش انقلابی و حق-طلبانه مردم کردستان تاکنون ظرفیت‌های عظیمی در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی از خود نشان داده اند.

در حالی که عوامل و فاکتورهای دخیل در اوضاع ایران، دورنمای جمهوری اسلامی را تیره و تار کرده است، تقلای بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران برای شکل دادن به آلترناتیو مورد نظر خود ادامه دارد. این تلاش‌ها در حالی انجام می‌گیرند، که استراتژی اصلاح رژیم از طریق مکانیسم‌های انتخاباتی، و راهکارهایی چون فراندم، انتخابات به اصطلاح آزاد و غیره با بن بست روبرو شده‌اند. این نیروها مردم را از انقلاب و دخالت مستقیم در سیاست می‌ترسانند و در کمین نشسته‌اند تا در شرایط گسترش اعتراضات توده‌ای با دخالت و پشتیبانی قدرت‌های امپریالیستی و از بالای سر مردم اوضاع را به

کنترل در آورند، که نمونه آن اعتراضات توده‌ای مردم در سال ۸۸ و عقب‌نشینی و وحشت‌سران اصلاح طلب از ادامه این اعتراضات بود.

اما واقعیت این است که هیچ‌کدام از بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران راه-حلی عملی برای پایان دادن به بحران و خطر فلاکت اقتصادی را ندارند. این نیروها راه -حل-شان برای خاتمه دادن به این بحران اقتصادی در بهترین حالت سپردن اداره اقتصاد کشور به دست مدیران تکنوکرات، عادی سازی مناسبات با غرب و رفع موانع سیاسی بر سر راه ادغام بیشتر سرمایه -داری ایران در بازار جهانی و اجرای برنامه-های اقتصادی نئولیبرالی است. این نوع نسخه پیچیدن‌ها برای حل بحران اقتصادی سرمایه -داری ایران در حالی است که سیاست-های اقتصادی نئولیبرالیستی در سطح جهان به بن بست رسیده است و پیامد اجرای این سیاست-ها عامل اصلی شکل دهنده-بحران جهانی سرمایه-داری بوده است.

قدرت-های غربی و در رأس آن‌ها دولت آمریکا که بسیاری از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی ایران استراتژی سیاسی خود را به دخالت آنان گره زده‌اند، نه تنها سیاست و پروژه‌ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی ندارند بلکه می‌خواهند با اعمال فشارهای کنترل شده این رژیم را در راستای تأمین منافع دراز مدت خود به تمکین وادارند.

در برابر این اوضاع و فقر و فلاکت اقتصادی، در برابر جنایات و سرکوبگری-ها و بی-حقوقی-های سیاسی و اجتماعی که رژیم جمهوری اسلامی به طبقه-کارگر و مردم ستم‌دیده-ایران تحمیل کرده است، در برابر استیصال و بی‌افقی و پروژه آلترناتیوسازی بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوائی، در برابر تحریم-های اقتصادی و تهدیدات قدرت-های امپریالیستی، سوسیالیسم تنها آلترناتیوی است که می‌تواند افق‌رهایی را به روی کارگران و مردم ستم‌دیده ایران بگشاید. آلترناتیو سوسیالیستی در مسیر پیشروی خود رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون می‌کند، ماشین دولتی بورژوازی همراه با کلیه-ارگان-های سرکوب آن را درهم می‌شکند، به حیات انگلی و پر هزینه- آنها و کلیه-دستگاه‌های تبلیغ جهل و خرافه پایان می‌دهد و با اعلام حکومت کارگران وسیع‌ترین آزادی‌های سیاسی را تأمین و تضمین می‌نماید. حکومت کارگران متشکل در شوراها، با ریشه کن کردن بیکاری و به کار گرفتن خلاقیت توده‌های آزاد و حاکم بر سرنوشت خود، بارآوری تولید و رشد اقتصادی را ممکن و تضمین می‌کند، مشکل مسکن را برای همیشه حل و رفاه و آسایش اجتماعی را تأمین می‌نماید. حکومت کارگران از طریق پایان دادن به اختلاس‌ها، دزدی‌ها و ریخت و پاش‌های تجملی طبقه حاکم کنونی و نمایندگان سیاسی آن مقادیر زیادی از وسایل تولید و

چرا بازاریهای بانه مخالف کشته شدن کارگران کولبر کردستان هستند

علی خدري

در ۱۳ شهریور، دو کارگر کولبر به نامهای قادر بهرامی (۴۱ ساله) و حیدر فرجی (۲۱ ساله) بدست نیروهای رژیم سرمایه داری اسلامی در کردستان کشته شدند. این کشتار با اعتراضات مردم در شهرهای کردستان روبرو شد که گسترده ترین آنها در شهر بانه بود. فردای این آدم کشی شهر بانه به حالت نیمه تعطیل در آمد و جمعیت زیادی از مردم شهر بانه و اطراف در جلوی ساختمان فرمانداری و خیابانهای اطراف تجمع کردند. مردم خواهان پایان دادن به کشتار کارگران کولبر و معرفی و محاکمه قاتلان شدند. نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی برای پراکنده کردن جمعیت به مردم حمله کردند که در اثر آن چند نفر از مردم بر اثر اصابت باتوم و گاز اشک آور و گلوله پلاستیکی زخمی و تعدادی نیز دستگیر شدند.

روز چهارشنبه، ۱۴ شهریور هم مردم شهر بانه با تعطیل کردن کار و دکان و بازار بطرف فرمانداری راهپیمایی کردند. نیروهای مسلح رژیم که با نیروهای کمکی شهرهای

ملی برچیده می-شوند، تبعیض جنسی و تنگ نظری ملی و نژادی جای خود را به همبستگی انسانی خواهند داد.

اما مطرح شدن سوسیالیسم به عنوان یک آلترناتیو آماده و در دسترس جهت پایان دادن به این بحران ویرانگر اقتصادی و نیز تمامی ستم-ها و مصائب نظام سرمایه-داری در گرو به قدرت رسیدن طبقه - کارگر است. دشواری بدیل سوسیالیستی برای تحقق این امر در موانعی است که سر راه سازمانیابی طبقه- کارگر و به میدان آوردن جنبش کارگری به مثابه یک جنبش سیاسی قرار گرفته است. هیچ راه میان بری وجود ندارد، طبقه- کارگر ایران برای نیل به این هدف ضروری است و باید در تشکل-های توده-ای، طبقاتی و حزب سیاسی سوسیالیستی خودش متشکل شود. طبقه-ی کارگر بدون متشکل شدن در حزب سیاسی سوسیالیستی خود قادر به همراه کردن دیگر جنبشهای پیشرو اجتماعی، رهبری سیاسی جامعه و تسخیر قدرت سیاسی نخواهد شد. طبقه کارگر تنها با تامین رهبری خود بر دیگر جنبش های اجتماعی و انقلابی است که قادر خواهد بود تقلای نیروهای اپوزیسیون بورژوازی برای به بیراهه بردن مبارزات مردم را در هم شکند و دخالت قدرتهای امپریالیستی را خنثی نماید.

بقیه "رهایی از وضعیت ... " از ص ۱۶

محصولات را برای استفاده عموم آزاد می سازد. حکومت کارگران با الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و با اجتماعی کردن مالکیت بر وسائل تولید، کار را از یک اجبار برای مزد و امرار معاش، به امری داوطلبانه تبدیل می-نماید که صرفا بر اساس درک وظیفه و پاسخگویی به نیاز اجتماعی انجام می-گیرد. کارگران متشکل در دولت در راستای استقرار سوسیالیسم، علم و تکنولوژی را که در چنگال رقابت سرمایه-داری به بند کشیده شده است آزاد می-کنند و در نتیجه آن، بازده کار با سرعتی غیر قابل تصور افزایش خواهد یافت. سوسیالیسم، رفع نیازهای مردم، تأمین زندگی مرفه و شایسته انسان را به هدف تولید تبدیل می-کند و همه- خدمات و محصولات مورد نیاز بشر در مقیاس انبوه تولید، و کلیه- نیازهای مادی و معنوی انسان-ها را تأمین می-کند. هم-چنین سوسیالیسم به خطر بحران-های ویرانگر اقتصادی برای همیشه پایان می-دهد. در جامعه سوسیالیستی انسانها از امکانات یکسان و فراوان برای رشد استعداد و توانائی های فردی برخوردار خواهند بود و توانائی های فردی شکوفا میشوند، در چنین جامعه-ای آزادی و رفاه هر فرد شرط آزادی و رفاه همگان خواهد بود و مبارزه برای بقای فردی خاتمه می یابد و انسان ها به شرایط واقعا انسانی قدم می گذارند. کلیه اشکال استثمار، نابرابری-ها و تبعیض-ها نظیر ستمکشی زن و ستمگری

بقیه "چرا بازارهای باته ... " از ص ۱۷

دیگر تقویت شده بودند چندین ساعت با مردم درگیر شدند. مردم ناراضی و به خشم آمده به فرمانداری و چند مرکز دیگر دولتی حمله و برای مدتی آنرا اشغال کردند و در نتیجه فرماندار و نیروهای تحت امرش از فرمانداری گریختند. در این روز بیش از ده نفر از مردم زخمی و دهها نفر دستگیر شدند. اعتراضات وسیع مردم کردستان به قتل دو کارگر کولبر یکبار دیگر موضوع شرایط کار و امنیت جانی کارگران کولبر کردستان را برجسته کرد.

کارگران کولبر کردستان تنها بخش طبقه کارگر ایران هستند که در حین کار هدف تیراندازی ماموران مسلح رژیم اسلامی قرار می گیرند و کشته و زخمی میشوند. کارگران رشته های دیگر معمولا جانیشان را در اثر حوادث کار و نایمندی ماشین آلات از دست میدهند. و یا هنگام اعتراض و مبارزه مورد هجوم نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی قرار میگیرند، دستگیر و شکنجه و زندانی میشوند، و مانند شاهرخ زمانی ماموران رژیم آنها را در زندان میکشند. البته این تنها مشخصه کارگران کولبر کردستان نیست. در هنگامی که در قرن بیست و یکم بخشهایی از کارگران با پیشرفته ترین ابزارها و ماشین آلات کار می کنند، کارگران کولبر کردستان بدون هیچ ابزار کاری کیلومترها اجناسی با وزن بین ۷۰ تا ۸۰ کیلو را بر شانه و پشت خود گذاشته و آنها را از مرزهای عراق تا شهرهای

کردستان جابجا می کنند. یکی از بزرگترین حقارتها کار کردن بخشی از جامعه یعنی کارگران بعنوان برده مزدی برای بخش دیگر جامعه یعنی صاحبان صنایع و سرمایه است.

تمامی کارگران، هم آنها که با پیشرفته ترین ابزارهای تولید کار می کنند و هم آنها که مانند کولبران کردستان بدون هیچ ابزاری کار می کنند، استثمار و تحقیر میشوند. تمام دستگاه حاکمیت نظام سرمایه داری یعنی، ادارات، پلیس، ارتش، زندان و قاضی و دادگاه و غیره برای تحمیل این استثمار و تحقیر به میلیاردها کارگر و زحمتکش و تداوم آن است. منتها در رژیم اسلامی سرمایه، استثمار کولبران کردستان، استثمار با اعمال شاقه است. سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگری، شلاق زدن کارگران بدلیل اعتراض به شرایط برده وارشان، سرکوب هر حرکت کارگری برای ایجاد تشکل، پایین نگه داشتن حداقل دستمزدها، تماما برای استمرار همین وضعیت غیر انسانی به دهها میلیون کارگر در ایران است. کاستن از هزینه دستمزدها بخشی جدایی ناپذیر از عمل صاحبان سرمایه و صنایع برای استمرار و افزایش سود است.

همچنین بالا بودن دستمزدها یکی از عوامل مهم بکارگیری ابزار و ماشین الات پیشرفته توسط صاحبان سرمایه و صنایع است. رژیم سرمایه داری اسلامی چنان بی حقوقی، بی تشکلی، حداقل دستمزدهای چندین برابر زیر خط

فقر و قراردادهای سفید امضا را به دهها میلیون کارگر در سراسر ایران تحمیل کرده است که برای صاحبان سرمایه و صنایع در کردستان بصره نیست که حتی مانند عصر حجر از حیوانات برای جابجایی اجناس استفاده کنند و نه از هموطنان همزبان کرد خود. صاحبان سرمایه و صنایع کردستان با برادر طبقاتیشان در سایر نقاط ایران و رژیم اسلامی اشتراک منافع طبقاتی دارند نه با کارگران کردستان. به استثمار هر روزه و توأم با اعمال شاقه کولبران کردستان باید اعتراض کرد. در این اعتراض طبعا صاحبان سرمایه و صنایع کردستان در کنار کولبران نخواهند بود. اینها خودشان از این بی حقوقی تحمیل شده به کارگران کردستان توسط رژیم اسلامی سود سرشار میبرند. کارگران سراسر ایران متحد کولبران هستند.

بازاریهای کردستان و بانه موقعی در کنار کولبران هستند که نیروهای رژیم اسلامی کولبران را میکشند و از این طریق مسیر جابجایی اجناس که منبع سود آنهاست را نا امن می کنند. با افزایش خطر مرگ کولبران طبعا دستمزد آنها هم افزایش می یابد. از این نظر هم صاحبان صنایع و سرمایه کردستان که از کار کولبران سود می برند، برای پائین نگاه داشتن دستمزد کولبران، مخالف کشتن آنها هستند!

وضعیت زنان کارگر گواتمالا

پروانه وزیری

مناسبات سرمایه داری جهانی بر استثمار بیشتر و افزایش سود سرمایه استوار است، و یکی از مهمترین مؤلفه های کسب سود بیشتر استفاده از کار ارزان کودکان و زنان است.

درجه استثمار در کشورهای مختلف بستگی به شرایط اقتصادی، سیاسی و موقعیت جنبش های کارگری و اجتماعی آن کشور دارد و در کشورهای عقب نگاهداشته شده میزان استثمار و فقر به درجات بیشتر از کشورهای اروپایی و یا آمریکا است. در این میان شرایط کار زنان و محیط کارشان - علاوه بر کار خانگی- بمراتب سخت تر از همتای کارگر مردشان است. جمهوری گواتمالا که در آمریکای مرکزی قرار دارد یکی از فقیرترین و خطرناکترین کشورها برای زنان است. در این کشور کارگران زن هیچگونه حقی در مقابل استثمار بیرحمانه کارفرمایان ندارند و دولت که همیشه مدافع منافع کارفرماست، در برابر این بی حقوقی سکوت اختیار میکند.

اوریلدا یانيس کارگری است که یک سال است بدون هیچ دلیلی بیکار شده. او در کارخانه پارچه بافی -

ماکی لاس- کار میکرد، میگوید: در کارخانه ای که من کار میکردم ساعات کار بیمعنا بود، گاهی اوقات تمام شب تا طلوع خورشید کار میکردم. تمام کارگران زن بودند و شرایط سخت کار را تحمل میکردیم تا سرپناه فرزندانمان را بهر وسیله ای حفظ کنیم. اما یکسال پیش من همراه صدها کارگر دیگر بیکار و بی خانمان شدیم. بیشتر کارخانه های این کشور و کارخانه ما نیز هیچگاه مالیاتی به دولت پرداخت نکرده اند. بر طبق آمار انجمن کارخانه ها که - وس تکس- نام دارد، در حال حاضر ۱۸۴ کارخانه مشابه در کشور وجود دارد که ۶۶ عدد از آنها متعلق به کره جنوبی است و در کل ۷۰ هزار کارگر در این کارخانه ها مشغول بکارند که ۸۰ درصد آنان را زنان بسیار جوان تشکیل میدهند. یانيس در طول سه سال کار مادر دو بچه بود و کارفرما هرگز به او اجازه شیر دادن به فرزندانش را نداد با وجود اینکه بر روی کاغذ بطور قانونی حق مادران در حین کار است.

شرایط کار بسیار سنگین بود و تنها انتقادی که از کارخانه میشد در مورد ساعات طولانی کار بود که آنهم بی نتیجه میماند. ساعات کار گاهی به ۱۴ ساعت بدون لحظه ای استراحت هم میرسید، ولی کارفرما باز هم رضایت نداشت و مرتب سرمان فریاد میکشید: تندتر، تندتر، وگرنه حقوقی در کار نیست. وقت نهار قفل در کارخانه با آژیر کارخانه باز میشد و موجی از کارگران خسته از کارخانه بطرف در

خروجی هجوم میبرند تا در وقت نهارشان در زیر سایه و روی زمین بسرعت غذا بخورند و بعد وقت باقی مانده را با عجله به توالی بروند تا خود را برای شیفت طولانی بعدی آماده کنند.

بیشتر زنان جوان مجبور بودند که هر زمان که کارفرما بخواهد تست حاملگی بدهند تا در زمان لازم آنها را به بهانه ها مختلف اخراج کند، و بر طبق قانون کار کارفرما حق اخراج زنان حامله را ندارد. اما در مقابل قانون شکنی های کارفرما، قانون معنایی نداشت.

کارگران در ساعات کار طولانی حق رفتن به توالی را نداشتند و در تمام توالی ها قفل میشد. حق رفتن به توالی فقط یکبار صبح و یکبار بعد ازظهر بود.

در رابطه با این بی حقوقی، تلاش نماینده سندیکاها و کارگران فعال و مبارز هم بی نتیجه ماند و بسیاری از آنان دستگیر و یا بطور مرموزی ناپدید شدند.

هنگامی که کارخانه بسته شد او همراه پانصد تن از همکارانش بدون دریافت حقوق اخراج و به خیابان رانده شدند.

در گواتمالا هر ساله ۲۰ کارخانه بسته میشود و کارگران بیشتری شب را در خیابانها سپری میکنند.

منبع: سایت uniontounion.org

حقوق کودکان کار از مطالبات ما و جنبش ما است

سیروان پرتو نوری

خبرگزاری های دولتی ایران، هر از چند گاهی گزارشاتى از کودکان کار را منتشر میکنند مبنی بر اینکه کودکان کار همه جا هستند و مردم را به خاطر اینکه بی خیال از کنار آنها می گذرند را نصیحت می کنند. این خبرگزاری ها به حکومت گوشزد میکنند که پدیده کودکان کار به معضلی اجتماعی تبدیل شده و اگر فکری به حال آنان نکنند مسئله به صورت فاجعه درخواهد آمد. این خبرگزاری ها می نویسند، که کودکان کار عمدتاً در سنین ۶ سال تا ۱۲ هستند. از نظر اینها آنها محرومان از تحصیلی هستند که از آموزش، بهداشت، امنیت، تغذیه، بازی و برابری در برخورداری از نیازهای سنی خود محروم مانده اند. این خبرگزاری ها بدون اینکه اشاره ای به نقش سیستم اسلامی سرمایه در بوجود آوردن کودکان کار بنماید والدین و "کارفرمایان بهره کش" را عامل اعمال ستم و استثمار بر آنها به شمار می آورند. این خبرگزاری ها به این ترتیب به ما میگویند که گویا کارفرمایان غیر بهره کش هم داریم. خبرگزاری ها فقط آنجا از عوامل حکومتی سخن به میان میآورند تا

بگویند وظایف ارگانهای حکومتی نظیر بهزیستی، شهرداریها و پلیس به طرزى دقیق تعریف نشده و بازرسان کار هم برای انجام وظایف خود آموزش کافی ندیده اند؛ در غیر اینصورت همه چیز بر وفق مراد می بود.

خبرگزاری ها حکومتی این پدیده را یک معضل اجتماعی می خوانند و اعلام میکنند که این پدیده مشکل ویرانگر میلیونها کودک ایرانی و افغانی است که اکثریت تامشان از خانواده های کارگری هستند.

معضلات این کودکان دختر و پسر فقط این نیست که از آموزش، بهداشت، امنیت، تغذیه، بازی و برابری در برخورداری از نیازهای سنی خود محروم مانده اند. آنها بوسیله باندهای جنایتکار به فروش مواد مخدر، دزدی و گدائی مجبور میشوند. بخشی از آنان و مخصوصاً دخترانشان در عشرتکده های مورد استفاده ثروتمندان و صاحبان سرمایه به کار گرفته شده و یا به شیوخ کاخ نشین در کشورهای خلیج فروخته می شوند. آنها بخشا برای استفاده از ارگانهای بدنشان به باندهای جنایتکار فروخته می شوند. این امر بر اساس معیارهای بورژوائی هم یک فاجعه تکان دهنده است و نه صرفاً یک معضل اجتماعی. فاجعه بار بودن وضعیت این کودکان و والدینشان محصول نظام اسلامی سرمایه در ایران بوده و سوءاستفاده از این میلیونها کودک در مقیاسی وسیع فقط با مشارکت و سهمبری مقامات و

ماموران جمهوری اسلامی ممکن است. این واقعیت دقیقاً همان چیزی است که خبرگزاری ها به دلیل موقعیت سیاسی و عملکرد طبقاتیشان، آنها از کاربرانشان مخفی می کنند.

همانطور که این خبرگزاری ها هم تاکید کرده اند دولتمردان کابینه روحانی هم، مثل کابینه های احمدی نژاد آمار کودکان کار را پخش نمی کنند. چون همین آمار برای اثبات شکست جمهوری اسلامی در ایجاد یک جامعه عادی بورژوائی هم کافی است. بعضی کارشناسان با استفاده از آمارهای وزارت بهداشت، پلیس و آموزش و پرورش کودکان کار را سه میلیون تخمین زده اند. اما سازمان جهانی کار در سال ۱۳۸۹ تعداد این کودکان در ایران را ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر اعلام کرد. با در نظر گرفتن ۷ میلیون کودک محروم از تحصیل، آمار سازمان جهانی کار به واقعیت نزدیک است. به این تعداد باید صدها هزار کودک کارگر و محروم افغانستانی را هم اضافه کرد.

کودک کار محصول جامعه طبقاتی و در دوره ما جامعه سرمایه داری است. کودک کار ارزان، مطیع و بدون دفاع است. در هر کشوری آنها به اندازه قدرت سازمانی و اجتماعی طبقه کارگر قانوناً و عملاً محافظت شده هستند. اهمیت کار کودکان ابتدا در انگلستان قرن نوزدهم توسط سرمایه داران شناخته شد.

برگزاری کنفرانس سیزدهم اتحاد سوسیالیستی کارگری

کنفرانس سیزدهم اتحاد سوسیالیستی کارگری در روزهای ۲۲ تا ۲۴ ژوئیه برگزار شد. کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد و با تصویب آئین نامه جلسات به کار خود ادامه داد.

دستور جلسات کنفرانس گزارش سیاسی فشرده از اوضاع جهان، منطقه، ایران و وضعیت جنبش کارگری - جهت گیری دولت جدید آمریکا، آرایش دولت های منطقه و تاثیراتش بر تحولات درونی حزب کمونیست ایران و کومه له - بسوی حزب - نقشه عمل صفحه تلگرام اتحاد سوسیالیستی کارگری - گزارش عملکرد تشکیلات و ارگانها - اوضاع مالی و به ویژه چگونگی تامین هزینه تلویزیون به پیش و در پایان انتخابات بود.

برگزیده ای از مباحث گزارش سیاسی، تحولات درونی حزب کمونیست ایران و بسوی حزب از تلویزیون به پیش پخش شده است. کنفرانس در مورد هر یک از این سه دستور اقداماتی را به کمیته اجرایی منتخب کنفرانس توصیه کرد.

هار به کارگران تحمیل کرده اند. وجود دهها میلیون انسان به فقر رانده شده و اسیر اعتیاد گشته محصول سیستم اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی است. این مصائب و این سیستم حکومتی و اقتصادی از عوامل اصلی بوجود آمدن کودکان کار هستند. نباید اجازه داد، خبرگزاری ایلنا و امثال آن خاک بر چشم کارگران بپاشند و این حقایق را از آنها بپوشانند.

کودکان باید کودکی کنند و در برابر هرگونه مغزشویی مذهبی و ایدئولوژیک از آنها محافظت شود. کودکان نه تنها باید از هرگونه آزار و پرداختن به کار مزدوری آزاد باشند، بلکه باید در شرایطی کاملا انسانی و تحت حمایت کامل جامعه زندگی کنند. استفاده از بازی، آموزش و بهداشت رایگان حق مسلم کودکان است. آنها باید در رفاه و آرامش طوری بار آیند که خلاقیت هایشان شکوفا شود. اما جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه بنا به ماهیت خود میتواند داوطلبانه در چنین جهتی گام بردارد. تحقق این خواستها به گسترش جنبشهای پیشرو اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری گره خورده است. مطالبات مربوط به حقوق کودکان می تواند و ضروری است به بخش جدائی ناپذیری از مطالبات سراسری و رادیکال کارگران تبدیل شود.

بقیه "حقوق کودکان کاراز ..." از ص ۲۰

صنعت اصلی سرمایه داران انگلیسی در آن زمان نساجی بود. انگلستان نازک کودکان کار برای گره زدن نخ های پاره شده بیشترین سرعت و انعطاف را داشت. بدنهای منعطف و کوچکشان به آنها اجازه داد تا خود را در لای ماشینها بچپانند و آنها را تمیز کنند. سرمایه داران، که جز بردن سود به چیز دیگری فکر نمی کنند، گاه از این کودکان روزانه ۱۸ ساعت کار می کشیدند. حتی اتفاق می افتاد که آن کودکان معصوم گاه ۴۸ ساعت مستمر به کار کشیده می شدند. میزان و عمق توحش سرمایه داران در این عرصه بهتر از هر جای دیگر نمایان شد. کارگران در غرب از آن روز تا امروز علیه این توحش جنگیده اند. دستاوردهای آن مبارزات سبب شد تا در کشورهای توسعه یافته صنعتی قوانینی به نفع کودکان تصویب شود و سازمان ها و بازرسانی برای دفاع از حقوق آنها بوجود آید. در این پروسه سنن و فرهنگ محافظت از کودک و احترام به حقوق آنها نیز شکل گرفت. گرچه بحران اخیر سرمایه داری تا حدودی به کودکان در غرب نیز لطمه زده، اما هنوز تفاوت وضع کودکان در آنجا با کودکان بومی و افغانی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه بسیار است.

سرمایه داران دولتی و خصوصی در ایران در سه دهه اخیر اوضاع معیشتی و شرایط کاری وحشتناکی را در سایه استبداد

بقیه «برگزاری کنفرانس...» از ص ۲۱

در دیگر موضوعات، کنفرانس سند اهداف و نقشه عمل صفحه تلگرام اتحاد سوسیالیستی کارگری که توسط کمیته اجرایی تهیه شده بود را با اصلاحاتی تصویب کرد؛ در گزارش عملکرد تشکیلات، کنفرانس بر بهبود برنامه های تلویزیون به پیش و انتشار مرتب نشریه سازمان تاکید داشت. در گزارش مالی، کنفرانس بر اهمیت ادامه کاری تلویزیون به پیش بعنوان یکی از ارگانهای تاثیر گذار بر گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری ایران تاکید داشت و راههای مختلف تامین هزینه مالی آنرا از جمله جمع آوری کمک مالی از علاقه مندان به سرنوشت جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری بررسی کرد.

کنفرانس سیزدهم مهمانانی از جمله رفقای از سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان نیز داشت که پیام دلگرم کننده ای به کنفرانس دادند.

مبحث پایانی انتخابات بود که طی آن کنفرانس اعضای کمیته اجرایی و دبیر شورای مرکزی را انتخاب کرد.

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

ژوئیه ۲۰۱۷

رژیم اسلامی پس از داعش

رضا مقدم

با رفراندوم کردستان عراق، خاورمیانه دوران پس از داعش را آغاز کرد و بسرعت وارد روند شکل گیری یک ائتلاف بزرگ از آمریکا و عربستان و دیگر متحدانشان علیه رژیم اسلامی شد. اوپاما نتوانست عربستان سعودی را وادارد تا قدرت رژیم اسلامی را در منطقه برسمیت شناسد و بگونه ای با آن در شکل دادن به آینده خاور میانه همکاری کند. ترامپ در کمپین های انتخاباتی اش شکل دادن به یک ائتلاف علیه رژیم اسلامی را وعده داده بود با این تاکید که اولویت دولتش ابتدا پایان دادن به کار داعش است. حیات نظامی داعش پایان یافته اما مسائلی که در عراق و سوریه و لبنان بار آورده هنوز پاسخ پایداری نگرفته است از جمله آینده حزب اله لبنان و بشار اسد و تقسیم مناطق سوریه در بین طرفین پیروز.

رژیم اسلامی در شرایطی وارد دوران پس از داعش شده که در خارج، اگرچه اروپا در مورد برجام و تحریم کلیت سپاه پاسداران با آمریکا همراه نیست اما در هر دو مورد برنامه موشکی رژیم اسلامی و کوتاه کردن دستش در منطقه در کلیات با هم متحدند. در داخل نیز رژیم اسلامی گرفتار انواع و اقسام فسادها و بحرانهای مرگبار و از جمله بحران عمیق اقتصادی است که قادر به اقدام قابل ملاحظه ای که بتواند اوضاع را بهبود دهد،

نیست. امید از همان ابتدا بی پایه ای هم که به ورود سرمایه های خارجی داشتند نیز با آغاز تبلیغات جنگی با عربستان سعودی و تحریم سپاه پاسداران از طرف آمریکا دود شد. و مهمتر اینکه ماههاست دورانی جدید و کاملا قابل مشاهده برای همگان آغاز شده که یکی از دو مشخصه اش کاهش چشمگیر قدرت رژیم در کنترل و شکل دادن به افکار عمومی و دیگری گسترش مبارزه کارگران، بازنشستگان، معلمان و مال باختگان در سراسر ایران است. رژیم از حل مشکلات عدیده ای که مردم ایران با آن دست به گریبانند درمانده است و به سرکوب مردم ناراضی و تهدید و احضار و حبس فعالین کارگری و معلمان روی آورده و با قساوت تمام محمود صالحی بیمار را به تخت بیمارستان زنجیر کرده و از معالجه بیمارهای متعدد رضا شهابی جلوگیری می کند. دهها میلیون مردم ایران بیش از هر زمانی از کلیت رژیم اسلامی عبور کرده اند بدون اینکه هیچ آلترناتیو حکومتی جایگزینی فعلا داشته باشند. اوضاع خاورمیانه پس از داعش به ابعاد بحرانی و فسادهای ساختاری رژیم اسلامی خواهد افزود و اوضاع اقتصادی مردم را بدتر از این خواهد کرد و هیچ چاره ای برای کارگران و دیگر اقشار مردم باقی نخواهد گذاشت تا برای بهبود اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تنها بر مبارزه متحد و متشکل خود تکیه کنند تا پیروز شوند.

یازدهم نوامبر ۲۰۱۷

پیام به کنفرانس سازمان اتحاد سوسیالیستی کارگری

رفقای گرامی سازمان اتحاد سوسیالیستی کارگری درود های گرم نثار تان باد. بابت دعوت ما برای حضور در کنفرانس سالانه سازمان تان صمیمانه تشکر نموده و کنفرانس پر بار و موفقی را برای شما آرزو مینماییم.

در فاصله یک سال از کنفرانس قبلی، عمق بحران در نظام حاکم سرمایه داری با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و خریدن ترامپ به کاخ سپید به جای سیاستمداران مطرح بورژوازی در آمریکا بیشتر تبارز یافته و همپا با آن گسترش نکبت جنگ های هار، قتل، کشتار، ویرانی، آوارگی میلیونی انسانهای بی پناه، بی امنیتی، عمیق شدن فاصله طبقاتی و تولید، فروش و استفاده از مرگبار ترین اسلحه ها، ریکارد های تازه پی آفریده است. استفاده بی رویه از منابع طبیعی برای کسب منفعت های زود رس، بدون توجه به پی آمدها و تأثیرات مخرب آن بر محیط زیست، حتی موجودیت زمین و زیست انسان ها بر روی آن را به چالش جدی پی مواجه نموده است. امری که نماینده گان نظام کاپیتالیستی در کنفرانس کشور های موسوم به جی- بیست را در هامبورگ در برابر هم قرار داد. اعتراض ها و جنبش های خود جوش طیف وسیعی از مردم در جریان نشست کنفرانس جی- بیست، نمایانگر نفی وضع موجود و اراده مردم برای جایگزینی نظام حاکم سرمایه داری است. ولی از آنجایی که حوزه عمل و پیگیری این اعتراضات محدود به عقب راندن دولتها و سیاست های آنهاست، و اکثریت معترضین فقط زیر بار سیاست

رسمی دولت های سرمایه داری نمیروند، نمیتواند تغییرات ساختاری عمیقی را موجب گردند.

آنچه آشکار است، این است که همه این معطلات ناشی از جوهر ذاتی نظام سرمایه داری است. تمرکز نصفی از ثروت اجتماعی در جهان در دست تعدادی انگشت شماری از افراد ثروتمند نمیتواند پیامد غیر از این داشته باشد. تصادفی نیست که با گسترش جنگ به سر کردگی امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه و گسست شیرازه زنده گی متعارف انسانها، مخصوصاً در مناطقی که در آتش جنگ قدرت های رقیب سرمایه داری می سوزند، جریانات وحشی مذهبی را که حقانیت باورها و کردار شان را از قرون وسطی میگیرند، سازمان داده و به جان مردم این مناطق انداخته اند و از کودک، پیر و جوان به گونه وحشتناکی قربانی میگیرند؛ با ویرانگری سیستماتیک این جوامع و مدنیت در آنها، مردم را دارند به دوران بربریت و توحش عصر حجر سوق میدهند. همزمان با آن تحت عنوان «جنگ با تروریسم» که وهابی ها و یا سلفی ها از ارکان های اصلی نیروهای اسلام سیاسی میباشند، در عربستان با حاکمان اهل سعود ضیافت رقص با شمشیر را راه می اندازند. ولی در افغانستان که کارگران و طبقات فرودست قربانی توحش اسلامیت های بر آمده از متن همین نظام و کشور هاست، بزرگترین بمب را در لانه های پرتاب میکنند که خود روزگاری به عنوان پناهگاه برای همان گله های مجاهد اسلامیت و متحد شان در جنگ سرد، اعمار نموده بودند.

رفقا ! لیست نکبت ها و مصائب و آلام ناشی از ماهیت بورژوا - امپریالیست ها خیلی طولانی تر از این است. انسانهای زیادی در سراسر گیتی آنها

را تا مغز استخوان شان تجربه کرده اند. مع الوصف و با وجود موجودیت تضاد های عمیق نظام و اعتراضات مردم بر علیه آن، که نمونه اخیرش اعتراضات هامبورگ علیه نماینده گان سرمایه داری بود، با تأسف آنها هر بار فرصت می یابند که همچنان لجام گسیخته بر انسانها و بر انسانیت بتازند. این فرصت ناشی از غیابت فعالان سوسیالیست طبقه کارگر و اجتماعی شدن علم مباره طبقاتی میباشد. این مسؤولیت تاریخی جنبش سوسیالیستی کارگران است تا بتواند افق روشنی از جامعه آزاد و برابر سوسیالیستی را جلو بشریت بگذارد. افق و گزینه روشن برای رهایی بشریت از نظامی که مبتنی بر کار مزدی است. این امر بدون تحزب طبقه کارگر و بدون همبسته گی بین المللی آن میسر نیست. از این روو مخصوصاً بخشی از برنامه کنفرانس شما که به مبحث حزب سوسیالیستی طبقه کارگر اختصاص داده شده است، اهمیت فوق العاده پی کسب مینماید.

سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان، ضمن ابراز مسرت از برگزاری با شکوه و پربار کنفرانس سازمان شما، صمیمانه موفقیت کنفرانس در رسیدن به اهداف تعیین شده را طلبیده و خود را شریک رزم و پیکار طبقه کار گر ایران و فعالان سوسیالیست آن می شمارد و باورمند است که راه رسیدن به آرمان سوسیالیسم از مسیر اتحاد طبقه کارگر میگذرد.

زنده و پیروز باد جنبش طبقه کارگر در ایران!
زنده باد سوسیالیسم!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست های
کارگری افغانستان
۲۰ جولای ۲۰۱۷

عفرین در چنگال زور آزمایی قدرت های امپریالیستی در منطقه این بار کردهای سوریه (روژئاوا)

علیه سیاست های دولت اردوغان قاطعانه مبارزه و اعتراض کنند. مردم خاورمیانه علی العموم و خلق کرد علی الخصوص به کرات تجربه کرده اند که در اتحاد و با امید بستن به مساعدت قدرت های بزرگ، دست آوردی به غیر از آتش و خون نخواهند داشت. اتحاد و همبستگی مردم در عفرین و صف مستقل مبارزات کارگران و زحمتکشان این منطقه تنها ضامنی خواهد بود که سد عظیمی را در مقابل گستاخی دولت ترکیه و سیاست های توسعه طلبانه قدرت های امپریالیستی و جنگ رقابتی میان آنان بوجود خواهد آورد.

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری
بیست بهمن ماه ۱۸۹۶ - ۹ فوریه ۲۰۱۸

تلویزیون به پیش! دوماهواره یاست

ماهواره: یاست

ترانسپندر: ۹۰

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

زمان: سه شنبه ها ساعت ۹:۳۰ تا
۱۰:۳۰ شب به وقت ایران

باز پخش: چهارشنبه ها ساعت

۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ صبح

های بزرگ در سطح بین المللی در جهت سهم خواهی و تعمیم قدرت و نفوذ خود در منطقه خاورمیانه است. حمله ارتش ترکیه به عفرین، در کلیات خود و تا به رقابت و سهم خواهی قدرت های بزرگ برمیگردد، ادامه "یک جنگ قدیمی و کثیف" است که سر آغاز آن تجاوز آشکار آمریکا و متحدانش به افغانستان در هفت اکتبر سال ۲۰۰۱ و سرانجام حمله به عراق در ۱۹ مارچ ۲۰۰۳ است. کشور سوریه و حال حمله ارتش ترکیه به عفرین با حمایت زمینی مرتجع ترین دستجات اسلامی که بوسیله سازمان امنیتی ترکیه (میت) رهبری و کنترل میشوند، نقطه تلاقی و زور آزمایی قدرت های امپریالیستی در جهان و منطقه است که هر یک در شکل ائتلاف و اتحادهایی در مقابل هم صف آرایی کردند. این صف آرایی قدرتها و به تبع آن حمله دولت ترکیه به عفرین برای عقب راندن "یگان های مدافع خلق" (YPG) که متاسفانه به نیروهای متحد آمریکا در سوریه پیوسته، میدان زورآزمایی است که نتیجه آن جز کشتار و بی خانمان کردن هزاران انسان زحمتکش نخواهد بود.

اتحاد سوسیالیستی کارگری، حمله و تجاوز ارتش ترکیه به عفرین را تحت عنوان هر نوع بهانه و توجیهی، شدیداً محکوم کرده و تمام کارگران و پیشروان جامعه ترکیه را فرامیخواند که بر علیه کشتار و آواره کردن هم طبقه ای های خود در عفرین و بر

اولین بار نیست که خلقی، ولو بی باک و از خود گذشته، ولو در رویای دست یافتن به جامعه ای برابر و دست نیافتی ترین آرمان های انسانی، یک جا و نابهنگام قربانی گستاخی، زیاده خواهی و سیاست های توسعه طلبانه قدرت های امپریالیستی و جنگ رقابتی میان آنان میشوند. خلق کرد و حافظه تاریخی آنان چنین تجارب تلخی را بیش از حد معمول تجربه کرده است. تجارب تلخی که حال خواسته یا ناخواسته بوسیله احزاب و سازمانهای بومی با چشم دوختن و امید به مساعدت قدرت های امپریالیستی، باز تولید و به مردم تحمیل میشود.

هجوم نظامی ارتش ترکیه به عفرین از روز بیست ژانویه و جان باختن دهها نفر مردم غیر نظامی در پی بمباران مناطق مسکونی در عفرین، عمل شنیعی است که حتی در تضاد با اسناد و قوانین خود نهادهای بوژوازی جهانی همچون ناتو و سازمان ملل متحد است. تاریخ و عملکرد این نهاد های خود ساخته نظام سرمایه داری آشکارا نشان میدهد که چیزی جز ابزاری در دست قدرتهای جهانی برای مذاکره و چانه زنی بر سر منافعشان نبوده و نیست. به این اعتبار، حمله نظامی ترکیه به عفرین علاوه بر دشمنی همیشگی اش با مردم کرد، میتواند بازتاب بحرانی باشد که سالهاست دامن نظام سرمایه داری جهانی را گرفته و نتیجه آن رو در رویی قدرت